

آنهايکه با ما نيستند، دشمنان ما محسوب ميگردند.  
خشونت هاي طالبان عليه افراد ملکی

## فهرست مطالب

1. معرفي ..... 1
  2. دور نما ..... 2
  3. هدف حملات قرار دادن مردم ملکی و اموالش ..... 11
  - 3-1 حملات تخريبي و کشتاري بالای مکاتب و معلمين ..... 17
  - 3-2 حملات کشتاري بالای زنان ..... 22
  4. حملات نامشخص که باعث تلفات مردم ملکی می گردد. .... 26
  5. عدالت اجمالی که باعث کشتار اسيران می گردد..... 30
  - 5-1. کشتار بعد از طی مراحل شبه قضاوت..... 33
  6. تطبيق قانون و حقوق بين المنلی ..... 34
  - 6-1. مسولیت گروه های مسلح در قبال حقوق و قانون مجرمان بين المنلی ... 38
  7. پشنهادات ..... 41
- ضمیمه 1. ماده عمومی 3 کنواسیون 4 جنوا-194 برخوردهای بعید از
- 44..... مشخصات بين المللی
- 45..... زمیمه 2. لایحه و قانون نامه نظام طالبانی.....

## آنهايکه با ما نيستند، دشمنان ما محسوب ميگردند. خشونت های طالبان عليه افراد ملکی

صفحه 4  
دور نما:

### طالبان کی ها اند؟

بوجود آمدن تنشها و شورش های گوناگون در افغانستان یک موضوع مهم است که هنوز و همیشه دارای شفافیت نه بوده است که دست کی ها در قضیه دخیل اند. و گفته می شود که حمله کننده گان و شورشیان شامل القاعده، جیش محمد، لشکر طیبه و گروه مسلح حزب اسلامی می باشد. خشونت و دشمنی طالبان علیه حکومت مرکزی و قوای خارجی منجر به آن شده است که حمله تخریبی القاعده و حزب اسلامی تحت رهبری گلبدین حکمتیار که دو گروه ضد مداخلات خارجی و کشورهای همسایه در کشور اند، از طریق رسانه ها به طالبان نسبت داده می شود. علاوه بر آن که حملات انتحاری به طالبان نسبت داده می شود، امکان آن می رود که دست جنگ سالاران، رهبران جهادی و قاچاقچیان مواد مخدر نیز در این تنشها دخیل باشد. در گزارش تهیه شده کوشش به آن شده است که تفکیک بین حملات طالبان و دیگر موارد که باعث نا امنی در کشور می شود صورت گیرد.

طالبان از حمایت پشتونهای جنوب افغانستان و پشتونهای ولایت سرحدی شمال غرب (مناطق قبایلی) پاکستان بر خوردار اند که می تواند آزادانه در دو طرف مرز پاکستان و افغانستان عبور و مرور نمایند. و در ضمن بخشی از بلوچستان را پشتون های تشکیل میدهند که دارای عین فرهنگ، عننات و عقاید دینی و مذهبی با پشتونهای افغانستان می باشند که این خود یک نوع امتیاز است برای پشتونهای دو طرف مرز که به صورت آزادانه از مرز پاکستان و افغانستان عبور و مرور کنند.

در سال 2003 میلادی رهبر ارشد طالبان (ملا محمد عمر) یک شورای 10 نفری را تشکیل داد که این شورا قوماندانان و رهبری حملات نظامی طالبان را به عهده داشتند. که تا به حال شورای مذکور به 33 عضو وسعت یافته است که شامل عضویت طلاب مدارس دینی در پاکستان و رهبران سابقه طالبان که از سال 2001-2002 مصروف تربیه حملات نظامی گروه طالبان علیه قوای ایالات متحده می باشند می گردد.

9 در سال 1893 میلادی حکومت بریتانیا برای ادامه تنش ها و کشیده گی ها بین افغانستان و پاکستان سرحدی که به نام خط دیورند یاد می شود را بالای افغانستان تحمیل کرد و در سال 1949 دولت افغانستان به تعقیب آزادی کشور هند خط سرحدی به طول 2640 کیلومتر که ملیت پشتون را به دو سمت مرز جدا می کند را بی اساس و غیر قانونی اعلام داشت. امروز به تعداد 28 میلیون پشتون در آن سوی مرز (پاکستان) سکونت دارند.

10 به اساس نظرسنجی عمومی، تعداد یک میلیون طفل در 13000 مدارس دینی در پاکستان از برکت علوم دینی و دیگر تسهیلات زندگی بصورت رایگان برخوردار اند. و بیشتر این اطفال را کسانی تشکیل میدهند که تعلق به خانواده های فقیر، بی بضاعت و مهاجرین افغان می داشته باشند.

11 جانس ریویو، "شورش ها و یاغی گریهای طالبان نشان دهنده ای ادامه نیروی آنها است."، 16 جنوری 2006:

<http://frp.janes.com/public/frp/index.shtml>

12 بلومبرگ، "نیروی حافظ صلح بین المللی نیاز به تجدید نیرو برای ادامه نبرد با طالبان در افغانستان دارند." 26 جنوری 2007

طالبان از حمایت هنگفت مالی مردم مناطق تحت قلمرواش و وهابیون غنی دولت های حاشیه خلیج فارس برخوردارند. بر علاوه آن، به قاچاق مواد مخدر، اختطاف افراد ملکی و نظامی که در بدل آن از دولت و خانواده شخص ربوده شده پول اخذ می کنند دست دارند که تا حدی مصارف مالی شان تامین می شود. در ضمن با استفاده از مکتب و عقیده مردم به بهانه های گوناگون به نام عشر و ذکات از مردم پول اخذ میدارند.

با توجه به پیمان قانونی و حقوقی بین الملل، نظامنامه طالبان، ایشان را از تصویب و بهره گیری حقوق و قوانین بین المللی باز میدارد. نظامنامه چنین بیان میدارد که: امارت اسلامی افغانستان بیانیه حقوق بشر را تا حدی می پذیرد که در بیانیه فوق به مکتب و عقیده شان نقضی وارد نه شده باشد. و همیشه ادعا کرده اند که سیاست های شان محدود به چهار چوب خواست مردم و قوانین اسلامی میباشد، در صورتکه اغراق کرده اند. رهبر طالبان (ملا محمد عمر) طی یک گزارش چنین می فرماید: ما هیچ گونه اعمال تحمیلی تحت نام حقوق بشر را نخواهیم پذیرفت که در آن قانون کتاب آسمانی (قران مجید) نقض گردیده باشد. چون قران نمی شود طبق ضرورت های روز انسانها تنظیم شود، این انسان هاست که خود را نظر به هدایات آیات قرانی عیاری می سازند.

#### سقوط طالبان و گسترش نا امنی ها

شکست حکومت و نیروهای حافظ صلح در تامین امنیت در کشور باعث ایجاد نگرانی و صلب همکاری و اطمینان ملت از دولت گردیده که نا امنی های حاضر در کشور دارد به فساد تدریجی مبدل می شود. و این خود نما یانگر شکست حکومت مرکزی و نیروهای حافظ صلح تحت اداره امریکا از سال 2001 میلادی در سر تا سر افغانستان می باشد.

خشونت ها و نقض حقوق بشر توسط نیروهای داخلی و خارجی باعث نا خوشنودی اکثر مردم ملکی از حکومت و نیروهای خارجی گردیده که از سال 2001 الی 2004 میلادی تعداد کثیر از مردان بدون کدام دلیل موجه توسط نیروهای خارجی با همکاری اردوی ملی تحت شکنجه های روحی و بدنی قرار گرفته اند که تا به حال تعداد 8 نفر در بازداشتگای نیروهای ایالات متحده جانهای شان را از دست داده اند. در جامعه افغانستان مردان نان آور و سرپرست خانواده محسوب شده که در نبود مرد خانواده وی دچار فقر، ناداری و بد بختی های خیلی دشوار می گردد.

---

به نقل از سایت انترنتی: <http://www.iiss.org.uk/whats-new/iiss-in-the-press/January, 2007> " سازمان پیمان اتلانتیک شمالی برای ادامه نبرد با طالبان نیاز به تجدید قوادارند.

13 به نقل از سایت انترنتی <http://www.alemarah.org/>، نظامنامه طالبان، باب نهم، "امور خارجه"

اساس حقوق بین المللی بشردوستانه مغایرت با قوانین شرعی ندارد. برای مثال در کنفرانسی سه روزه که به اشتراک علمای مذهبی و باهمکاری صلیب سرخ بین الملل در ماه سپتامبر سال 2006 میلادی در کابل، به ارتباط حمایه از حقوق زخمی ها، اسیران جنگی و مردم ملکی؛ دایر گردیده بود. پس از این کنفرانس، کمیته صلیب سرخ بین الملل چنین بیان داشت که جوهره اصلی حقوق بشر هیچ مغایرتی با قوانین شرعی در موارد فوق ندارد.

## آنهایکه با ما نیستند، دشمنان ما محسوب میگردند. خشونت های طالبان علیه افراد ملکی

حملات خونین قوای خارجی تحت فرماندهی ایالات متحده امریکا که منجر به مرگ هزاران تن از مردم ملکی از سال 2001 به اینسو شده و باعث ناخشنودی روزافزون مردم ملکی گردیده است و به ویژه در مناطق جنوبی کشور طی حملات و شبیخون نیروهای خارجی و نادیده گرفتن فرهنگ و عنعنات مردم در جریان تلاشی خانه ها و رویه غیر انسانی و غیر قابل تحمل در رابطه به نوامیس مردم باعث دلسردی و سلب اعتماد شهروندان از دولت و نیروهای خارجی گردیده است .

شکست دولت و جامعه جهانی در رابطه به تامین امنیت در کشور و ناکام ماندن آنها در ساختن یک دولت مقتدر و باثبات باعث کاهش همکاری های مردم و سلب اعتماد آنها از دولت گردیده که این خود زمینه تاخت و تاز را برای گروه طالبان در کشور مساعد ساخته است. بعد از سرنگونی طالبان و عقد توافق نامه بن در دسامبر سال 2001 میلادی، افغانستان و جامعه بین الملل فرصت طلایی برای تامین امنیت و تاسیس یک دولت باثبات در افغانستان را بدست آوردند. با اظهار تاسف، باخت حکومت در روند دولت سازی باعث از دید فساد اداری و نمایان گریز دولت در تامین امنیت در داخل کشور گردیده که از آن جمله اداراتی که کاهلیت شان بیشتر محسوس است عبارتند از وزارت امور داخله و قوه قضاییه. نظر به گفته بارنت روبین افغانستان شناس و مدیر مرکز همکاری های بین المللی ایالات متحده "مردم زمانی روی دولت اش حساب میکنند که حکومت قادر به تامین امنیت نسبی در کشور باشد در غیر آن دولت از همکاریهای مردم ملکی بی بهره است." نبود قانون، امنیت و حکومت آلوده به فساد اداری باعث شده است که طالبان فرصت بیشتری برای ایجاد نا امنی در کشور داشته باشند.

مبارزه دولت علیه کشت کوکنار و بدون چاره سازی بدیل خشم دهاقین و مردم محل را علیه حکومت برانگیخته خصوصا در مناطق جنوب کشور و ولایت هلمند که مرکز تولید کوکنار محسوب میشود و حمایت طالبان از این قشر زمینه فعالیت را برای آنها و خود گروه طالبان مساعد میسازد. حضور و فعالیت طالبان در این مناطق باعث محرومیت مردم فقیر از کمک های موثر دولت و جامعه جهانی گردیده است.

15 نظریه راپور تخمینی آمار تلفات از اثر حملات نیروی حافظ صلح بین المللی در افغانستان از اکتبر سال 2001 بدینسو به هزاران تن میرسد که این قربانیان شامل مردم غیر نظامی، نیروی های دولتی و نیروی حافظ صلح بین المللی میشود. اما هنوز آمار دقیق از تعداد قربانیان نه از طرف دولت و نه از طرف نیروهای حافظ صلح بین المللی ارائه گردیده است. برای مثال رجوع شود به روزنامه گاردین مقاله " قربانیان از یاد رفته" منتشره 20 ماه می سال 2002 و گزارش دوسالانه JCMB، نوامبر 2006.

در خلال ماه اکتبر سال 2001 الی جولای سال 2006 موجودیت نیروهای خارجی در جنوب افغانستان موثر ثابت نشده و باعث عدم دسترسی دولت در آن ساحات گردیده که این خود فرصت را برای تجدید حیات طالب ها در آن مناطق فراهم ساخت.

17 رجوع شود به گزارش مامورین شورای امنیت سازمان ملل متحد (11 الی 16 نومبر سال 2006)، (S/2006/935)، 4 دسامبر 2006 رجوع شود به سایت انترنتی [http://daccessdds.un.org/doc/UNDOC/](http://daccessdds.un.org/doc/UNDOC/GEN/N06/631/38/PDF/N0663138.PDF?OpenElement)

-امور خارجه "نجات افغانستان"، بارنت - آر- روبین، جنوری / فبروری سال 2007:

18 بارنت روبین، امور خارجه، "هنوز این ماییم که بازنده ایم: افغانستان هنوز در حاشیه است"، مدرک تهیه شده برای کمیته روابط خارجی ایالات متحده امریکا 21 سپتامبر سال 2006:

آنهايکه با ما نيستند، دشمنان ما محسوب ميگردند.  
خشونت های طالبان عليه افراد ملکی

صفحه 7

وضعیت جاری باعث افزایش حمایت های مردمی از طالبان گردیده است. در ضمن فقر و کمبود فرصت های شغلی برای جوانان باعث وسعت بخشیدن اعتبار طالبان بین جوانان گردیده است که برای یک طالب ماهانه در حدود سیصد دلار امریکایی پرداخته میشود در حالیکه برای یک سرباز اردوی ملی صد دلار امریکایی پرداخته میشود که این خود جوانان را به پیوستن به در صفوف طالبان مخصوصا در مناطق تحت نفوذ آنان ترغیب مینماید.

این عوامل توأم با ازدیاد خشونت تهدیدی برای پیشرفت های قبلی در ساحات توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور میگردد. طالبان از خلاهای موجود در عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیشترین بهره را برده و عملا کنترل مناطق از جنوب و شرق را در اختیار داشته و حملات آنها روند رو به رشد را در ساحات خارج از کابل و در مراکز شمالغرب نزدیک مرز ایران و ترکمنستان داشته است. در سال 2003 شورش ها روند صعودی بخود گرفت و شورشیان طالبان با استفاده از تاکتیک های بکاررفته در عراق مانند حملات انتحاری، تجهیزات پیشرفته انفجاری، ترور و سربردن اشخاص بدون توجه به زندگی مردم ملکی حملات شانرا شدت بخشیده اند.

19 رجوع شود به گزارش مامورین شورای امنیت سازمان ملل متحد (11 الی 16 نومبر سال 2006)، (S/2006/935)، 4 دسامبر 2006

رجوع شود به سایت اینترنتی [http://daccessdds.un.org/doc/UNDOC/](http://daccessdds.un.org/doc/UNDOC/GEN/N06/631/38/PDF/N0663138.PDF?OpenElement)

گروه مدیریت بحران بین الملل، جمعیت مبارزه علیه شورش ها در افغانستان،

no quick fixes, 2 November 2006: <http://www.crisisgroup.org/home/index.cfm?l=1&id=4485>

20 طبق گزارش 2004 گزارش انکشاف بشری ملی ملل متحد در افغانستان " شاخص انکشاف بشری "، افغانستان از جمله فقیرترین کشور خارج از افریقا در جهان محسوب میگردد. افغانستان در رده 173 در بین 178 کشور کمی بالاتر از بروندی، مالی، بورکینا فاسو، نیجریه و سیرالیون قرار دارد.

21 " عدم حسابدگی شفاف، فساد اداری گسترده و محدودیت ظرفیت کارمندان نتیجه ضعف اداری بوده که منجر به تقویه و رشد زرع مواد مخدر شده و این خود تهدیدی برای تلاش های انکشافی در کشور است." به نقل از گزارش دوسالانه بورد مشترک هماهنگی نظارتی، نوامبر 2006

22 بنظر میرسد که حزب سیاسی - نظامی اسلامی تحت رهبری گلبدین حکمتیار در بیشتر از نا آرامیها در شمال کشور دست دارد که بعضی از زدوخوردها ممکن است بر اثر بدست گرفتن منابع بین گروه های محلی رخ دهد.

23 شورای سنلس که یگ موسسه غیردولتی فرانسوی است در مورد تنش های جنوب در جون 2006 تحت عنوان " جنگ در هلمند " چنین ابراز نظر میکند: " تنش ها و شورشهای جاری در جنوب کشور تاثیر ناگواری بر آینده کشور بجا خواهد گذاشت."

[http://www.senliscouncil.net/modules/publications/010\\_publication](http://www.senliscouncil.net/modules/publications/010_publication)

## ارتباط با پاکستان

جنگجویان طالب افغان و محلی بطور آشکارا قدرت و حمایت خویش را از پاکستان، از ایالت سرحدی شمال غربی، مناطق قبایلی با نظام فدرالی و بخشی از بلوچستان دریافت می نمایند.<sup>1</sup> جنگجویان طالب-افغان و محلی ظاهرا از پایگاه های واقع در این مناطق گروه بندی و تجهیز دوباره گردیده، بنابر شواهد بی شماری از این پناگاه ها حملات در داخل افغانستان را با مداخله اندک از جانب مقامات پاکستانی رهبری می نمایند.<sup>2</sup>

### گزارش جنس انتلیجنس رویو تذکر می دهد:

"رهبران طالب ساکن در پاکستان حملات خویش در جنوب افغانستان را به سه منطقه تحت کنترل شان تقسیم نموده اند.... از کویته حملات در ولایات قندهار، هلمند و ارزگان و بعضی اوقات در فراه رهبری گردیده و رهبران میرانشاه حملات در ولایات خوست، پکتیا و پکتیکا را و از پشاور حملات در ولایات ننگرهار، کنر، لوگر و لغمان را جهت دهی می نمایند.... بنابر اظهارات یک متخصص نیروی انتلاف، فرماندهان طالب از معاونین خویش جهت ارتباط با فرماندهان متوسط و قوماندانانی که گروه های 50 تا 100 نفری جنگجویان را، ویا زمانی هم گروه های کوچک 10 تا 15 که مستقلانه در داخل افغانستان عمل می نمایند استفاده می نمایند."<sup>3</sup>

در مارچ 2004 حکومت پاکستان شدید ترین عملیات نظامی خویش را در منطقه قبایل راه اندازی نمود، نظر باینکه نیروهای نظامی حکومت پاکستان برای نخستین بار در اوایل سال 2002 وارد منطقه گردیده بود. حکومت پاکستان اظهارداشت که متعهد گردیده بود تا به کمپاین خویش برای بیرون راندن القاعده از سراسر منطقه ادامه دهد، اما مردم با بقایای القاعده در منطقه همکاری نمودند.<sup>4</sup> این یورش همسو با حمایت پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان از تهاجم تحت حمایت امریکا، سبب رادیکا لیزه شدن مردم محلی گردیده و خصومت آنان را نسبت به حکومت پاکستان از دیاد بخشید.

در تلاشی جهت کاهش یافتن خشونت و کشیدگی بوجود آمده از اثر عملیات نظامی 2004 حکومت پاکستان به عقد دو قرار داد صلح در وزیرستان جنوبی در مارچ 2004 و در وزیرستان شمالی در سپتامبر 2006 مبادرت ورزید.<sup>5</sup> عقد پیمان صلح باعث ایجاد پایگاه امن برای جنگجویان خارجی و احتمالا تشدید شورشها گردید. همزمان با کاهش حملات بالای نیروهای نظامی پاکستان بااساس موافقت نامه 2006 مقامات ناتو، ایالات متحده و افغان ارقام تشدید سه

<sup>1</sup> بطور نمونه چکیده نشریه یوناما نوشته کرابس الکساندر، معاون نماینده خاص سر منشی یوناما و نماینده گی های ملل متحد در افغانستان، 8 جنوری 2006

<sup>2</sup> سازمان بین المللی بحران، ازام ساختن ملیشه های مناطق قبایلی پاکستان، 11 سپتامبر 2006

<sup>3</sup> جنز انتلیجن رویو "شورشیان طالب علایم توانمندی خویش را نشان می دهند". اکتبر 2006

<sup>4</sup> وزیر اطلاعات شیخ رشید احمد: "این عملیات با تمام هزینه های احتمالی ان ادامه خواهد یافت". رویترز، 26 مارچ 2006

<sup>5</sup> عقد پیمان وزیرستان جنوبی در ماه مارچ 2004 که قبایل در منطقه سرحدی جنگجویان خارجی توقیف نموده و بدست دولت بسپارند، ویا حتما آنان را ثبت نمایند. قرارداد منعقد وزیرستان شمالی در ماه سپتامبر 2006، زمینه ساز آزادی و رهایی جنگجویان قبایلی را فراهم می نماید. برگرداندن سلاحهای شان و صرفنظر کردن اردو و حملات باز رسی حین بازگشت خارجیان ساکن وزیرستان شمالی در صورت احترام به قانون وانکار تدارک حمله به افغانستان.

برابر حملات انتحاری، مخصوصاً در مناطق هم سرحد با وزیرستان شمالی را بالای نیروهای شان ارایه داشته اند. بعضی از رسانه مدعی اند که اکثر انتحار کنندگان از امتداد سرحد پاکستان به داخل افغانستان نفوذ می نمایند.<sup>6</sup>

مداخلات نظامی پاکستان در مناطق قبایلی به باور اغلب ناظرین امور، شان و مقام سران قبایلی را به تحلیل برده است، حکومت نمایندگان سیاسی<sup>7</sup> و انتخابی محلی را بکار گماشته است. خلای رهبری موجوده به طور گسترده توسط مذهبیبون نظامی اشغال گردیده و به همکاری گروه های دوباره فعال شده پشتون تحت رهبری شان به ترغیب و اجرای سختگیرانه احکام اسلامی پرداختند.<sup>8</sup> مناطق قبایلی متعهد به گسترش طالبانیزه سازی به شمول توسعه ساختار شبه حکومتی طالبان، اعضای مجریه، جمع آوری مالیات، ساختار قضایی و قانون کیفری گردیده اند.<sup>9</sup>

مداخله نظامی حکومت پاکستان با مقاومت گوناگون و بصورت مشخص مقاومت احزاب اسلامی مواجه گردید. برجسته ترین حزب سیاسی اسلامی در منطقه، حزب متحده امل، مرکب از شش حزب سیاسی تأثیر گذار، مشتمل بر جمعیت اسلامی و جمعیت علمای اسلام<sup>10</sup> می باشد. اکثر مدارس خصوصی اسلامی مرتبط با احزاب عضو حزب متحده امل، در جمع پرورش دهنده گان شورشی طالب بوده اند. گروه بین المللی بحران ابراز می دارد که: " رئیس جمهور مشرف سیاست دوگانه درپیش گرفته، از یک طرف بدست آوردن حمایت های بین المللی بعنوان متحد علیه "جنگ و ترور" از جانب دیگر ناکامی در تغییر پالیسی حکومتش برای جلوگیری از تقویه بنیادگرایی. بقای سیاسی حکومت نظامی پاکستان وابسته است به، سازش با احزاب اسلامی متعددی که طالبان را حمایت کرده اند و به حمایت های شان ادامه می دهند.<sup>11</sup>

<sup>6</sup> به حیث نمونه:

- نیویارک تایمز: "ارتباط پاکستان با حملات انتحاری در افغانستان به مشاهده رسیده است." 14 نوامبر 2006

- رویترز الترنٹ: "اعتقاد و باورهای بمب انداز های انتحار کننده در پاکستان زنده و قوی است." 25 جنوری 2006

<sup>7</sup> نمایندگان سیاسی قدرت اجرایی و قضایی را تحت قانون جنایات سازمان یافته خارج سرحد سال 1901 و قانون اجرایی اداره نظام فدرالی مناطق قبایلی روی دست گرفته اند.

<sup>8</sup> دلی تایمز، 25 می 2006. پرویز مشرف تأیید کرد که "بنیادگرایی و طالبانیزاسیون گسترش می یابد." (رویترز، 26 می 2006)

<sup>9</sup> بطور نمونه:

- سازمان عفو بین الملل در پاکستان: برای محو خشونت علیه حقوق بشری در پروسه "جنگ براساس هراس افگنی" فعالیت می نماید.

در فاصله زمانی سالهای 2005 و 2006، طبق گزارش بیش از 200 تن به شمول رهبران قبایلی، حامیان دولت و افراد مسمی به جاسوسان امریکا در حملات جان شان را از دست داده اند. نیویارک تایمز "طالبان و هم پیمانان ایشان علناً در شمال پاکستان قدرتمند گردیده اند." 11 سپتامبر 2006

<sup>10</sup> جمعیت علمای اسلام حزب فضل الرحمان راشد و متحد اصیل پاکستانی طالبان، کنترل دو ایالت هم سرحد با افغانستان را در دست داشته و بالای جمعیت اکثریت پشتون ایالت داخلی شمال غربی فرمان می راند و سهمیم در حکومت ائتلافی پرویز مشرف حزب مسلم لیگ پاکستان (قائد اعظم) در ایالت بلوچستان. (گروه بین المللی بحران، ادامه

شورش های افغانستان: نبود بازسازی زود هنگام، 2 نوامبر 2006

<sup>11</sup> گروه بین المللی بحران، تداوم شورش ها در افغانستان و نبود بازسازی زود هنگام، 2 نوامبر 2006، باز هم گروه بین المللی بحران، کنفرانس مطبوعاتی تحت عنوان

مناطق قبایلی پاکستان: آرام سازی ملیشه ها، 11 دسامبر 2006

حینیکه پرویز مشرف مکررا حمایت حکومت پاکستان از طالبان را در سپتامبر 2006 انکار کرد، اسنادی گرد آوری شده از جانب مقامات دفینس اکادمی ( اکادمی دفاعی)، سازمان پژوهشی مرتبط به وزارت دفاع انگلستان ، توسط رسانه افشا گردید، بقول معروف سازمان استخباراتی پاکستان<sup>12</sup>، طالبان را حمایت می کرد.<sup>13</sup> سیز جونس از رند کارپوریشن (شرکت رند) ، سازمان پژوهشی که در ارتباط نزدیک به نیروی نظامی ایالات متحده کار می کند، در نوامبر 2006 اعلام داشت به باور حکومت امریکا سازمان استخبارات پاکستان در تهیه آموزش، پول و اطلاعات نفوذ پذیر، بخصوص "معلومات.... در مورد نقل و انتقالات نیروهای نظامی ایالات متحده و ناتو، در بعضی موارد اطلاعات بسیار استراتژیک" به طالبان همکاری دارد.<sup>14</sup>

مقامات دولتی افغان مکررا از مقامات پاکستانی خواسته است که از حمایت طالبان دست بردارند. همچنان، مقامات ایالات متحده که پاکستان را بعنوان متحد کلیدی خویش در مبارزه علیه تروریست مورد تمجید قرار داد، از پاکستان خواسته است تا به اقدامات موثر علیه طالبان دست یازد.<sup>15</sup> مقامات پاکستانی چنین انتقادات را رد نموده و می گویند پاکستان مصمم است مطابق اسناد ارایه شده ایالات متحده ویا قوای ناتو، گامهای موثر در راستای " هر طریق ممکن در رد یابی رهبران طالب" بردارد.<sup>16</sup>

#### هدف حملات قرار گرفتن شهروندان عادی و تاسیسات ملکی از جانب طالبان

" هیچ فرقی میان افراد مسلحی که علیه ما می رزمند و شهروندانی که بیگانگان را یاری می رسانند، وجود ندارد". قاری یوسف ، سخنگوی طالبان ، 25 اکتبر 2006

طالبان همواره در تشخیص میان اهداف نظامی و افراد ملکی و تاسیسات ملکی ناکام بوده اند، با وجود ، تعهد آنان نسبت قوانین بین المللی بشردوستانه که هدف قرار دادن افراد ملکی جدا منع گردیده است را نقض می نماید. شماری از افراد ملکی که از جانب شورشیان طالبان در جریان دو سال گذشته به قتل رسیده اند، ظاهرا متهم به جاسوسی ویا همکاری با بیگانگان بوده است. هدف حملات دربر گیرنده کاندیداتور های انتخابات، علما، مدیران دولتی، معلمین، کارمندان صحی و دیگر افراد ملکی کارمند درموسسات امداد رسانی و یا قوای خارجی بوده است .

<sup>12</sup> هیت مدیره سازمان استخباراتی پاکستان یا معروف به سازمان استخباراتی پاکستان (آی ای آی) یکی از سه ارگان نیرومند استخباراتی حکومت پاکستان است. مسولیت این سازمان جمع آوری اطلاعات خارجی و داخلی ، هماهنگی اطلاعات میان ارگانهای سه گانه نظامی پاکستان ، تربیه جاسوسان، و تدابیر امنیتی سلاحهای اتمی پاکستان را به عهده دارد.

<sup>13</sup> رویتر ، 1 اکتبر 2006 : حکومت بریتانیا از گزارش کنار کشید و اظهار داشت که واکنشهای صریح بیانگر دیدگاه آنان نیست.

<sup>14</sup> گاردین " حدث و گمانه زنی هایی در قسمت حمایت پاکستان از تقویه و تربیه شورشیان طالب وجود دارد. " 13 نوامبر 2006

در استماعیه کمیته روابط بین المللی سنا در 21 ستامبر 2006 ، جنرال جیمس جونس ، فرمانده عمومی اسبق ناتو گزارش داد که مرکز فرماندهی طالبان در کوئته قرار دارد (نیویارک تایمز) " در منطقه سرحد نشانه های پاکستانی در طالبان برق می زند." ، 21 جنوری 2006

<sup>15</sup> هنری کرمپتون ، هماهنگ کننده ای امور تروریسم وزارت امورخارجه ایالات متحده از پاکستان به عنوان متحد کلیدی امنیتی ستایش به عمل آورد اما چند روز بعد 6 می در کابل اظهار داشت که سران طالبان و القاعده احتمالا در خاک پاکستان مخفی شده اند و اسلام آباد در " نبرد بر ضد تروریسم تلاش کافی انجام نمی دهد." ، (سرمقاله فرایدی تلیمز ، 12-18 می 2006)

<sup>16</sup> نقل قول سخنگوی اردوی ملی ستر جنرال شوکت سلطان با روزنامه دلی نیوز ، 25 می 2006

### فتوای طالبان مبنی بر صدور فرمان قتل کافران

طبق گزارشی یک فتوا یا فرمان مذهبی، از طرف طالبان با امضا 100 تن از روحانیون افغان در دسامبر 2005 منتشر گردید که در آن دستور قتل افرادی را که به مداخلات تحت رهبری امریکا یاری میرساند را صادر می نماید.<sup>17</sup> قاری یوسف احمدی، سخنگوی طالبان، شرح داد:

" در فتوا بیان گردیده است که مردم باید با کافران ترحم نداشته باشند، از دوستی با ایشان اجتناب ورزند و همچنان از حمایت معنوی و مالی با آنان نیز اجتناب ورزند. فردی که حمایت مالی و معنوی انجام می دهد باید کشته شود".

احمدی ادامه داد: " به مستخدمین دولت در فتوا گفته شده است که از امورات دولتی دست بکشند. کسیکه پدرش با امریکانیان کار می کند باید ارتباط شان را با وی قطع نمایند و یا با آنان برخورد خصمانه را در پیش گیرند، زیرا آنان بی دینان را مساعدت می نمایند".

در فتوای 2005، علما یا روحانیون مذهبی، با در نظر داشت وضعیت کنونی کشور جهاد (درین متن به مفهوم جنگ مسلحانه) وظیفه شرعی دانسته شده است. زیرا از نظر آنان قوای خارجی نیروهای اشغالگر بحساب می آیند.<sup>18</sup>

فتوای 2005 ظاهراً ادامه فتوای مشابه منتشره طالبان در ستامبر 2001 که طبق گزارش تاکید روی مجازات مرگ برای جاسوسان دارد.<sup>19</sup> مطابق ماده سوم کنوانسیون چهارم جینیوا، که برای طالبان الزام آور است، اجتناب از حمله بر افراد یکه در عملیات خصمانه دخیل نیستند. عفو بین الملل نگرانی دارد که زبان عام فتوا اعمالی را که شامل جنایات جنگی مورد عفو قرار خواهد داد.

حمله بالای سازمان های غیر دولتی (انجوها) و کارمندان آنها از جانب گروه های مسلح باعث تاخیر در عملیات و پروژه های آنها در چندین ولایت و بطور قابل ملاحظه در ولایات جنوبی می گردد.<sup>20</sup> مصونیت صحتی و برنامه های ان کاهش یافته است. افغانستان در سال 2006 شاهد شش برابر افزایش در ابتلا به بیماری فلج اطفال بوده است که یک ششم ان در مناطق نا آرام جنوب<sup>21</sup> به مشاهده رسیده است. در اثر در حملات طالبان بالای کاروان حامل مواد غذایی که از کوئته پاکستان<sup>22</sup> اعزام افغانستان بود در توزیع برنامه کمک های غذایی موانع ایجاد گردید. خلق موانع در

<sup>17</sup> مطبوعه اسلامی افغان، " علمای افغان به جهاد علیه امریکاییها دعوت می نمایند: نظامنامه طالبان ماده 13، دسامبر 2005

<sup>18</sup> مطبوعه اسلامی افغان: دعوت علما به جهاد علیه امریکاییها: نظامنامه طالبان ماده 13، دسامبر 2005

<sup>19</sup> بگونه ای مثال:

بیانیه عمومی عفو بین الملل در ارتباط با افغانستان: سازمان عفو بین الملل فشرده گزارش طالبان در مورد اعدام های بدون تانی را محکوم می نماید  
بیانیه عمومی عفو بین الملل در رابطه به افغانستان: خلاصه ای از گزارش قتل و عام افراد ملکی در ولسوالی یکولنگ

<sup>20</sup> ANSO/CARE ناامنی باعث ایجاد موانع انتقال کمک های خیریه در افغانستان می گردد. می 2005

اختصار جریده یوناما توسط ادرن ادوارد نماینده خاص سرمنشی ملل متحد و نمایندگی های ملل متحد در افغانستان، 4 ستامبر 2005

<sup>21</sup> خلاصه جریده یوناما گرد اوری شده ادرین ادوارد، سخنگوی نماینده خاص سرمنشی و نمایندگی های سازمان ملل در افغانستان، 4 سپتامبر 2005.

<sup>22</sup> اب زرور " به فروش رساندن دختران افغان به حیث عروس بخاطر نجات از گرسنگی"، 7 جنوری 2005

انتقال کمک های اساسی و انکشافی در نواحی با اکثریت باشندگان نیازمند. تأثیرات سو بالای زندگی ملیون ها فرد و در حال حاضر بالای زندگی افغانهای فقیر می گذارد.<sup>23</sup>

تداوم کاهش در کمک سازمان های بشر دوستانه باعث عقب ماندگی بیش از حد قسمت های عظیم کشور خواهد شد.<sup>24</sup> طالبان مطابق به قوانین بشر دوستانه بین المللی از حمله، تخریب، انتقال و جابجایی مواد اولیه مورد نیاز ساکنین غیرنظامی منع گردیده اند.

طالبان از جانب نیروهای حافظ صلح بین المللی متهم به استفاده از سپر انسانی گردیده است. سرهنگ تام کولینس، سخنگوی ایساف در 12 فبروری 2007 اظهار داشت، "در جریان یک عملیات در ولسوالی کجکی ولایت هلمند، طالبان برای گریز از آتشباری از سپر انسانی بخصوص کودکان محلی افغان<sup>25</sup> استفاده کردند. در یک حادثه جداگانه دیگر رئیس اسبق نیروی ناتو جنرال جیمس جونز گزارش داد که جنگجویان طالب در جریان عملیات نظامی ماه اکتبر 2006 در ولسوالی پنجوایی ولایت قندهار از سپر انسانی استفاده کردند. کارمندان محلی از کشته شدن حدود 30 تا 80 تن از مردمان ملکی گزارش داد.<sup>26</sup> طالبان اظهار داشته اند که مصونیت شهروندان تحت کنترل آنان با انتقال خانه ها به پایگاه ها و محلات بازرسی در ولایات قندهار و هلمند بیشتر از پیش به خطر مواجه گردیده است.<sup>27</sup>

یک کارمند دفتر یوناما به عفو بین الملل بازگو کرد: "در لحظه ای که طالبان ادعا ی تحت کنترل داشتن منطقه ای را می نمایند مردم از انجا گریخته و در مناطقی که احتمال حمله در نیست جابجا می شوند... عین همین اتفاق در موسی حلقه ... باشندگان، مناطقی را که حدث می زنند از طرف قوت های ایساف و نیروهای افغان بخاطر باز پس گیری در یک مدت بسیار کوتاه مورد عملیات نظامی قرار می گیرد ترک می نمایند".<sup>28</sup> یک مشاور حقوقی کمیسیون مستقل حقوق بشر بیان داشت که امار داده شده از جانب کارمندان یوناما، بیان میدارد وقتی که طالبان کنترل موسی قلعه را بدست آورد، مردم محل "از ترس بمباردمان" منطقه را ترک گفتند.<sup>29</sup>

<sup>23</sup> یک گزارش سالانه Bi تورد مشترک ارزیابی هماهنگ (JCMB) از فعالیت های ولایتی شورشیان هشدار می دهد "که قسما و یا در مجموع ولایات شدیداً متضرر شده از جانب نمایندگان بین المللی نادیده گرفته شود. JCMB، مشترک از کمیته 28 عضوی مرکب از کارمندان دولت افغانستان و دوفر های بین المللی مسول ارزیابی و نظارت از پیمان افغانستان، پلان پنج ساله بازسازی کشور در کنفرانسی با دوفر ها به توافق رسیدند. همچنان به : گروه بین المللی بحران، پیمان خطر پذیر افغانستان، 29 جنوری 2006 مراجعه شود

<sup>24</sup> هینکرت و دوسوالد بیک، قوانین عادی بشردوستانه بین المللی شماره 1، ماده 34 صفحات 189-193 (نشریه دانشگاه کمبریج و کمیته بین المللی صلیب سرخ 2006)

<sup>25</sup> ارتباط پست الکترونیکی سازمان عفو بین الملل با سخنگوی نیروی ائتلاف در 22 فبروری 2007 و مصاحبه تلفونی 28 مارچ 2007

<sup>26</sup> انترنشل هرالد تریبون " قوماندان ایساف از کشتار اخیر معذرت خواهی نموده و گفت که طالبان از سپر انسانی و افراد ملکی استفاده می نمایند " 28 اکتبر 2006

<sup>27</sup> سنلس کونسل، افغانستان بعد از پنج سال : بازگشت طالبان ستمبر 2006

<sup>28</sup> مصاحبه تلفونی سازمان عفو بین الملل با یکی از کارکنان یوناما در 5 مارچ 2007. کارمند یوناما اظهار میدارد که کنترل و دسترسی دولت بالای بعضی نواحی ولایت هلمند محدود گردیده است و به طالبان اجازه می دهد که این خلای امنیتی را پر سازند.

<sup>29</sup> مصاحبه تلفونی عفو بین الملل با کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در 5 مارچ 2007. قوماندان نیروهای بریتانیا با ریش سفیدان ولسوالی موسی قلعه ولایت هلمند توافقنامه ای را امضا کردند. آنان توافق نمودند که طالبان و عساکر بریتانیایی مرکز شهر را تخلیه نمایند. در عوض موسفیدان تعهد کردند که به نیروهای طالبان اجازه ورود به شهر را نخواهند داد و از شهر توسط پولیس کمکی خودشان حراست خواهند کرد، زمینه ارسال کمک های انسانی را فراهم می سازند. در 2 فبروری 2007 طالبان کنترل منطقه را بدست گرفت. مراجعه شود به اخبار آن لاین بی بی سی " اگرچه افغانها در مسیر ثبات گام بر میدارند."، 8 فبروری 2007 نیویارک تایمز "طالبان در ولسوالی افغانستان متارکه کردند، دست از نزاع بر میدارند" 2 دسامبر 2006

قوانین بین المللی بشردوستانه از تمام نیروهای درگیر در جنگ ها می خواهد تا نهایی ترین حد امکان از قرار دادن وسایل و تجهیزات نظامی در حدود و یا نزدیکی مناطق پر نفوس اجتناب ورزند.<sup>30</sup>

### قوانین نظامی طالبان

نظامنامه یا لایحه<sup>31</sup> نظامی طالبان تداوم 30 دستور است که به نمایندگی از شورای عالی طالبان یا شورای رهبری توسط حاجی عبيدالله وزیر دفاع اسبق طالبان در رمضان 2006 توزیع گردید. نظامنامه بصورت عموم مرکب از سه بخش است: برخورد با آنانی که به باور شان دشمنان اند، برنامه و اداره سربازان؛ و اداره قوه قضائیه (دادگستری). از اوان انتشار نظامنامه به جنگجویان در تمام مناطق تحت نفوذ آنان تا بحال مشکل است که تشخیص داد جنگجویان طالب تاچه حد به اصول آن پایبند اند.<sup>32</sup> لایحه اگرچه کمتری توجه و یا هیچ اعتنایی به قوانین بشردوستانه بین المللی که آنان را مقید بسازد نکرده است. نظامنامه هیچگونه توضیحی درباره شهروندان در مقایسه با قوانین بشر دوستانه بین المللی و حراست از ان ارایه نمی دهد، که خود بیانگر بی توجهی آنان است. قوانین بین المللی بشردوستانه تصریح میدارد که شهروندان و انانیکه در عملیات خصمانه فعالانه سهیم نیستند" در همه حال باید با آنان برخورد های انسانی صورت گیرد" درحالیکه لایحه طالبان از گروپ شان در خواست می نماید تا امنیت شخصی و مالی افرادی را که به کافران پشت می کنند تضمین بدارند.

33

بعضی قوانین به صراحت هدف قرار دادن افراد ملکی را رسماً تائید می کند. حکم شماره 25 بیان می دارد: معلمی که هشدار طالبان را نادیده می انگارد باید تعذیر گردد و در صورتیکه مغایر اصول اسلامی تدریس نماید فرماندهان ولایتی و یا رئیس گروپ وی را بقتل برساند. ماده 26 احتمال هدف قرار دادن موسسات و کارمندان موسسات بشر دوستانه را پیشنهاد می نماید:<sup>34</sup> "ان موسساتی که در کشور آمده و تحت فرمان کافران فعالیت دارند همانندیکه دولت تهدید گردیده باید تهدید شوند... باوجود مصروفیت در تعمیر سرک ها، پولها، کلنیک ها، مکاتب، مدارس و یا امورات دیگر ما هیچ یک از فعالیت های آنانرا تحمل کرده نمی توانیم".

<sup>30</sup> هینکارد و دوسوالدبک ، قوانین مرسوم بین المللی بشر دوستانه، شماره 1، قوانین، ماده 23 صفحه 71 ( کمبریج: جریده دانشگاه کمبریج و کمیته بین المللی صلیب سرخ 2005). این ماده بالای پیمان گروه ها در اجتناب از صدمه های غیر متجانس به شهروندان تأثیری ندارد.  
<sup>31</sup> بطور نمونه مراجعه شود به:

- Signandsign.com، " مجموعه قوانین جدید طالبان " ، 28 نوامبر 2006

- Signandsign.com، " لایحه جدید برای مجاهدین "، 29 نوامبر 2006

<sup>32</sup> طالبان در چندین منطقه ای افغانستان دیده شده اند که حامل نظامنامه بوده اند ( به نیوز ویک مراجعه کنید ) " بواسطه کتاب: جنگجویان طالب نقش خود را ایفا می نمایند" 3 دسامبر 2006

<sup>33</sup> لایحه ، فرمان شماره 1: " فرماندهان طالب اجازه دارند که در سراسر افغانستان از تمام کسانی که به کافران یاری می رسانند به قوانین اسلامی باز گردند. " فرمان شماره 2 " ما امنیت مال و جان آنانی را که به بی دینان پشت می کنند تضمین می نماییم. واگر وی در منازعه دخیل است و یا از جانب فردی به چیزی متهم است ، به دادگاه مراجعه نماید."

موجوديت قانون نامه نظامی طالبان از طرف سخنگوی طالبان قاری يوسف احمدی در 25 اکتبر 2006 صحه گذاشته شد، سازمان عفو بين الملل جهت درک دیدگاه و تفسیر طالبان از قوانین بشر دوستانه بين المللی با وی مصاحبه ای را انجام داد. وی فاش ساخت که آنچه برداشت طالبان از شهروندان است از مقرره قوانین بين المللی بشردوستانه بسیار متفاوت است. احمدی ادعا کرد که حمله به انعه از شهروندانی که تهدیدی برای طالبان شمرده نمی شوند نهی گردیده است. هدف های مشروع به گفته احمدی در گام نخست امریکایی ها و قوای خارجی است در ثانی اشخاصی غیر مسلحی که با خارجی ها کار و همکاری می نمایند. وی علاوه کرد: " فرقی میان اشخاص مسلحی که با ما نبرد می کنند و شهروندانی که با خارجی ها همکاری و مساعدت می نمایند وجود ندارد".

وقتی از وی خواسته شد که مفهوم همکاری را واضح سازد. احمدی اظهار داشت، بطور نمونه، تمام کارمندانیکه در وزارت دفاع ملی و وزارت داخله کار می کنند " درجبهه علیه طالبان می رزمند و با نیروهای خارجی همکاری دارند". این کارمندان هدف مشروع حملات طالبان تشخیص داده شده اند. " چندین بار ما از این افراد خواسته ایم که از همکاری با ارگانهای دولتی که نیروهای محارب اند، دست بکشند".<sup>35</sup> موسساتی که در فعالیت های ملکی و تدارک خدمات مصروف اند؛ همانند وزارت صحت عامه، آب و برق و هلال احمر هدف تشخیص داده نشده اند.

قوانین شامل در لایحه و توضیح احمدی با تعهدات طالبان نسبت به قوانین بين المللی بشر دوستانه ناسازگار است. در عمل دیده می شود که شهروندان بی پروا هدف طالبان قرار داده می شوند. موارد زیر نمونه هایی گزارش شده از کشتار افراد ملکی مورد هدف قرار داده شده از جانب طالبان و تخطی از قوانین بشردوستانه بين المللی است.

- در 23 جولای 2005 قاضی نعمت الله توسط دو طالب مظنون سوار بر موتورسایکل در ولسوالی پنجوایی ولایت قندهار به قتل رسید. یک تن از سخنگویان طالب اظهار داشت، موصوف را طالبان به قتل رساند زیرا وی برای دولت کار می کرد.<sup>36</sup>

- 
- 

<sup>35</sup> کارمندان افغان در موسسات خارجی، ناتو و ایساف به بدترین شکل مجازات در صورت عدم ترک حمایت بیگانگان تهدید گردیده اند. (مراجعه شود: سنلیس کونسل " افغانستان بعد از پنج سال"، بازگشت دوباره طالبان)

<sup>36</sup> بی بی سی نیوز آن لاین " قتل قضات افغانی توسط طالبان"، 23 جولای 2005

- طبق گزارش بتاریخ 9 اگست 2005 شورشیان طالب در ولسوالی میرزان ولایت زابل زنی را از خانه بیرون کشیده و به قتل رساند. سخنگوی طالبان لطیف حکیمی گزارش داده و اظهار داشت، طالبان او را به قتل رسانده است. " زیرا وی برای اشغالگران امریکایی جاسوسی می نمود".<sup>37</sup>
- در 21 اگست 2005 به قرار مسموع شورشیان طالب مولوی عبد الملنگ معاون شورای علما و همراهش را هنگامی که رهسپار مسجد محله بودند به قتل رساند. لطیف حکیمی در ادعایش مسوولیت حمله را به عهده طالبان گذاشته و بیان داشت: "ما در آینده به این گونه حملات خویش ادامه خواهیم داد".
- در 12 اکتبر 2005 بر طبق گزارشات، شورشیان طالب در یک حمله به کارمندان خدمات انکشاف صحنی افغان، پنج تن را کشته و سه تن دیگر را مجروح ساخت. طبق گزارشی دو داکتر و یک فارمسست، یک نرس و یک مدیر در ولسوالی زیری در جنوب شهر قندهار حین بازگشت از بازدید قریه ای به قتل رسیدند.<sup>38</sup>
- در 3 جنوری 2006 بر اساسی اطلاعی، شورشیان مظنون طالب انجنیر میرویس کارمند خیریه افغان را حین ادای نماز در مسجد لشکرگاه هدف قرار داده و به فرقت شلیک کردند.<sup>39</sup>
- در 23 می 2006، طبق گزارشی در اثر انفجار یک ماین کنترل شونده از راه دور، موتر کارمندان موسسه خیریه خدمات انکشاف صحنی افغان هدف قرار داده شد که در این حادثه جمعا چهار تن یک داکتر و دو پرستار و راننده به قتل رسیدند. سخنگوی وزارت داخله یوسف ستانکزی عناصر دشمنان افغانستان را به انجام این حمله متهم کرد، اصطلاحی که اغلب در معرفی شورشیان طالب بکار برده می شود.<sup>40</sup>
- در 15 جون 2006 بر طبق مسموع طالبان بمبی را در داخل ملی در شهر قندهار منفجر ساخت که در آن حد اقل 10 کشته و بیش از 15 تن مجروح گردیدند. بس حامل کارمندان افغان بود که عازم محل کارشان در پایگاه نظامی انتلاف واقع در درون شهر بودند. سخنگوی طالبان طی تماسی تیفلونی به یکی از دفاتر خبرگزاری های محلی مسوولیت حمله را بعهده گرفت.<sup>41</sup>

<sup>37</sup> مراجعه شود به بی بی سی نیوز آن لاین " قتل زن جاسوس افغان توسط شورشیان"، 10 اگست 2005  
<sup>38</sup> بطور مثال مشاهده نمایید:

- گزارش سالانه AHDS سال 2005

- رویتر " طالبان پنج کارمند افغان یک نهاد خیریه را به قتل رساندند" 12 اکتبر 2005

<sup>39</sup> بنگاه خبر رسانی افغان پژواک " قتل کارمند انجو در مسجدی در ولایت هلمند" 3 جنوری 2006

<sup>40</sup> AFP: " انفجار بمبی باعث مرگ سه کارمند صحنی و راننده آنان گردید" 23 می 2006

<sup>41</sup> بطور نمونه:

- بی بی سی نیوز آن لاین: " هدف قرار دادن افراد ملکی توسط طالبان" 15 جون 2006

- یوناما بیانیه تام کوبینگس نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در افغانستان، در مورد انفجار بس در ولایت شهر قندهار، 15 جون 2006

- بتاريخ 27 اگست 2006 حاجی عتیق الله یک تن از نمایندگان ولسی جرگه، در ولایت ارزگان زمانی به قتل رسید که کاروان وی توسط 15 تن شورشی مورد حمله قرار گرفت. سخنگوی گروه طالبان لطیف حکیمی مسوولیت قتل حاجی عتیق الله را بعهده گرفت.<sup>42</sup>

### حمله به مکاتب و معلمین

" اتفاقاتی که بالای اطفال افغانستان رخ می دهد، بی پناه گذاشتن آنان در همچو خسونت های وحشتناک تکان دهنده است." برنت آسین نماینده یونیسف در افغانستان، 4 اگست 2006

علی الرغم از زیاد 5 برابر متعلمین کودک بعد از سقوط طالبان در دسامبر 2001، طبق امار بخش انکشافی موسسه خیریه آکسفام،<sup>43</sup> هفت میلیون طفل افغان از تعلیم و آموزش قانونی باز مانده اند. در حال حاضر 5 میلیون طفل به شمول پسر و دختر به مکتب می روند. در دوره ابتدائیه 1-6 تقریباً 1.73 میلیون دختر شامل مکاتب اند در مقایسه با 3 میلیون متعلم پسر.<sup>44</sup> باوجودیکه کمپاین خشن و بیرحمانه گروپ های مسلح در قبال مکاتب به برنامه های طویل المدت دولت برای معارف سرتاسر کشور بخصوص در بخش مناطق جنوب و جنوب شرق آسیب جدی را وارد می نماید.

حملات به مکاتب افغانستان به گروه های مختلف از جمله طالبان و حزب اسلامی نسبت داده شده است. طبق گزارشها بعضی حملات به جنگ سالاران محلی نسبت داده شده است آنان می کوشند مکاتب را هدف قرار دهند تا به این طرز مداخلات دولت را در ساحه تحت حاکمیت شان تضعیف نمایند. دسته جنایتکاران نیز شامل گروه حمله کننده بالای مکاتب می باشند و به این طریق میخواهند اذهان عامه را از توجه به فعالیت های غیر مجاز مانند قاچاق مواد مخدر<sup>45</sup> منحرف بسازند. انگیزه معمول و اشکار چنین حملات تضعیف اقتدار حکومت مرکزی است. تاثیرات عام چنین حملات کشته و مجروح شدن افراد ملکی و صدمه جدی به سیستم شکننده تعلیمی افغانستان است.

حملات خسونت بار بر علیه سیستم تعلیم و تربیه کشور بطور هیجان انگیزی در جریان سال 2006 افزایش یافته و به روشهای حملات راکتی، انفجار بمب و آتشسوزی بوقوع پیوسته است. امار حملات بر مکاتب وسعت حملات تخریبی علیه نظام آموزشی کشور را اشکار می سازد.

<sup>42</sup> بطور نمونه :

- سازمان دیدبان حقوق بشر، افغانستان در شرف انتخابات پارلمانی و ولایتی، ضمیمه A: امار حملات بالای کاندیداتورها، سپتامبر 2005  
- کمیسیون مستقل حقوق بشر و یوناما، کار مشترک روی تشخیص حقوق سیاسی، گزارش سوم از انتخابات ولسی جرگه، شوراها ولایتی، 17 اگست - 13 سپتامبر 2005

<sup>43</sup> کنفرانس مطبوعاتی اکسفام، " هفت میلیون طفل افغان از تعلیم و آموزش محروم می گردند، اکسفام به مقام عالی رتبه ناتو در افغانستان هشدار داد."

<sup>44</sup> امار ترتیب شده وزارت معارف افغانستان در ماه دسامبر 2006

<sup>45</sup> سازمان دیدبان حقوق بشر " چپتر سوم، حملات بالای مکاتب، معلمین و متعلمین"، درس در فضای ترس و ارباب

- در شش ماه اول سال 2006 قریب به 172 حمله بالای مکاتب کشور در مقایسه با 60 حمله در سال 2005 اتفاق افتاده است.<sup>46</sup>
  - 75 تن شاگرد، معلم و سایر مستخدمین مکاتب در فاصله زمانی 2005 و 2006 در اثر حملات جان شان را از دست داده اند.<sup>47</sup>
  - درگذر فاصله زمانی 2005-2006 بر اساس عدم امنیت برای معلمان و متعلمین به تعداد 359 مکتب در ولایات قندهار، پکتیا، زابل، غزنی، خوست، هلمند و دایکندی بروی 132800 طفل دانش آموز مسدود گردید.<sup>48</sup>
  - 183 مکتب در اثر عملیات های سوختاندن مکاتب در سراسر کشور از سال 2005 تا 2006 به آتش کشیده شد.<sup>49</sup>
  - در سال 2006 شش تن شاگرد در جریان حملات بر مکاتب جان سپردند.<sup>50</sup>
- در حال حاضر والدین در مناطق مختلف از ترس حملات، در فرستادن اطفال شان به مکاتب بی تمایلند. نظر به گفته یکی از کمیشنر های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان: "اکثر مکاتب به خاطر حمله احتمالی نیروهای طالب و القاعده مسدود گردیده و به خاطر احساس ناامنی در بین مردم منطقه، والدین از فرستادن اطفال شان به مکاتب ابا می ورزند."<sup>51</sup> گزارشی از سازمان دیدبان حقوق بشر ابراز میدارد که: "ناامنی ها احتمالاً باعث رشد اعتقادات محافظه کارانه در مورد تحصیل دختران خواهد شد، بطور مثال با پرده گشایی از خطرات جسمی دختران چه در مکتب و یا در راه و یا ممانعت و دلسرد ساختن معلمان اناث از رفتن به محلات معین."<sup>52</sup> بانک جهانی در گزارشی یاد آور می شود:
- "مشکل است که میان موانع و پویایی فرهنگی و امنیت تفکیک قایل شد بطور مثال - تاچه حدی اجبار در مقابل تحرک زنان، اجازه ای رفتن دختران به مکاتب، که در واقع تثبیت کننده ثبات سیاسی است، متکی است به وضعیت ضعیف امنیتی؟ تاچه حدی خواستها بنابر عدم دسترسی معلمان اناث به امکانات که به زعم خود ریشه در ناامنی ها و همچنان تفاوت هنجارهای فرهنگی دارد، محدود می گردد؟"<sup>53</sup>

<sup>46</sup> کنفرانس مطبوعاتی ملل متحد، گزارشگران ویژه حق تحصیل از گروه های مخالف دولت درخواست کرد حمله به مکاتب در افغانستان را متوقف سازند، 9 اگست 2006:

<sup>47</sup> امارگیری وزارت معارف افغانستان در 22 فبروری 2007

<sup>48</sup> به پا ورقی 46 مراجعه شود

<sup>49</sup> به پا ورقی 46 مراجعه شود

<sup>50</sup> در کنفرانس مطبوعاتی، یونیسف از افزایش حملات بالای مکاتب افغان هشدار داد، 4 اگست 2006

<sup>51</sup> رادیو آزادی اروپا/ رادیو آزادی، "افغانستان: ملیشه ها مکاتب را مورد حمله قرار می دهند". 22 فبروری 2006

<sup>52</sup> سازمان دیدبان حقوق بشر " فصل 4، تأثیرات غیر مستقیم ناامنی بالای تعلیم و تربیه. " آموزش در فضای ترس و وحشت: حمله به معارف در افغانستان، جولای 2006.

<sup>53</sup> بانک جهانی، افغانستان: احیای مجدد ملی و فقر زدایی- نقش زنان در آینده افغانستان، ص32، مارچ 2005

تمام شهروندان، شاگردان، آموزگاران و دیگر کارمندان مکاتب باید باید هدف قرار نگیرند تا زمانی که در خصومت ها عملا دخالت نکرده اند که در ان صورت انان مصونیت شهروندی را از دست می دهند. براساس قوانین بین المللی بشر خواهانه قتل عمدی شهروندان بشمول آموزگاران، دانش آموزان به صراحت نهی گردیده است. همچنان هدف قرار دادن تاسیسات ملکی مثل ساختمان مکاتب نیز نهی گردیده است. ساختمان مکاتب به استثنای زمانی که مطمینا به خاطر اهداف نظامی بکار برده شود، جز ملکیت های عامه شمرده می شود. طبق اساسنامه منعده روم از جانب محکمه بین

المللی جنایات جنگی " در سراسر جهان حملات رهبری شده بر ساختمانهای اختصاص داده شده به ... تعلیم و تربیه " در هر دو مورد جنگ های مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی جز جنایات جنگی بشمار می رود.<sup>54</sup>

علاوه بر ان، براساس قوانین بین المللی بشر دوستانه تمام اعمال و تهدیدات قهر امیز بخاطر ایجاد ترس و وحشت در میان شهروندان ممنوع قرار داده شده است.<sup>55</sup> طالبان به اشاعه ارعاب از طریق انتشار شب نامه ها- یادداشت ها و یا پوستر های نصب شده بر تنه درختان، دیوار مساجد و مکاتب از حمله به آموزگاران و دانش آموزان هشدار می دهد.<sup>56</sup> در ولایت جنوبی هلمند طالبان شورشی دست به پخش شب نامه های تهدید کننده در چندین ولسوالی زده و از کارمندان خواستند تا کارشان را متوقف سازند. یکی از این گونه مکاتب می آموزد: " اگر می خواهید از این پس در جهان مصون زندگی نمائید از رفتن به مراکز بازگشایی شده از جانب کافران پرهیز نمائید. " نامه ادامه می دهد: " معاش آموزگاران بواسطه بی ایمانان تادیه می گردد. از گرفتن معاش صرف نظر نمایید در غیر آن در جمع دست نشانده های امریکایی بشمار می روید." <sup>57</sup>

ماهیت جمیع چنین حملات و تهدیدات به مکاتب و معلمین را تجاوز عمدی به نظام آموزشی تشکیل می دهد. وضعیت وحشت امیز خلق شده در اثر حملات حق تحصیل را هزاران طفل بخصوص دختران را اسیب می رساند. افغانستان عضویت چندین کنوانسیون بین المللی را داراست که در ان حق تحصیل را به رسمیت شناخته است. از جمله کنوانسیون حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق طفل و کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان. کمیته حقوق طفل سازمان ملل متحد، اعضای مسول بررسی از تطبیق کنوانسیون و حقوق طفل، در خور توجه می داند که ماده اصلی برای اجرای حقوق اطفال متأثر از جنگ به شمول دیگر چیزها عبارت از، " دسترسی به غذا، مراقبت صحی و تعلیم و تربیت " می باشد.<sup>58</sup>

<sup>54</sup> اساسنامه روم ماده 8(2)(ب) (Xi) و 8(2)(e) (iv)

<sup>55</sup> پروتکل الحاقی دوم، ماده 13(2)

<sup>56</sup> سازمان دیدبان حقوق بشر، رشته یادداشتی بر پخش شب نامه ها در افغانستان، جولای 2006

<sup>57</sup> اژانس خبر رسانی افغان، پڑواگ "شب نامه ها معلمین و باشندگان هلمند را می هراساند." 3 جنوری 2006

<sup>58</sup> کمیته دفاع حقوق طفل، گزارش دومین نشست ان، اسناد ملل متحد، CRC/C/10، 19 اکتبر 1992

علاوه بران، ماده 4(3) پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیون چهارم ژینوا تصریح می دارد: "مراقبت و کمک های مورد نیاز اطفال باید فراهم شود و بصورت مشخص (الف) آنان باید تعلیم داده شوند بشمول آموزش مذهبی و اخلاقی، بخواست والدین شان یا در غیاب والدین شان توسط اشخاصیکه مسوول مراقبت شان اند،" اگرچه افغانستان عضو پروتکل الحاقی دوم نیست، این ماده معیاری بین المللی حراست از تعلیم و تربیه را تصریح میدارد که طالبان باید به وفادار بمانند. نمونه های ارایه شده در زیر هدفهایی است که معلمین، شاگردان و مکاتب توسط طالبان و دیگر دسته های مسلح هدف قرار داده شده اند.

- در شب 3 جنوری 2005 عبدالحبیب سرمعلم مکتب شیخ متی ولایت زابل در محضر فرزندان سر بریده شد. مکتب متذکره، مکتب مختلط بود که دختران و پسران در آن تدریس می گردید. از قول رئیس معارف گزارش داده شده بود که گفته بود که شورشیان بعضی اوقات با نصب پوستر های هراس انگیز در منطقه خواستار بستن مکاتب دخترانه گردیده و معلمین را به مرگ تهدید می کنند.<sup>59</sup>
- در 18 اکتبر 2005 شورشیان مظنون طالب سرمعلم عبدالولی را درخانه اش واقع در ولسوالی پنجوایی قندهار به قتل رساندند. وی اندکی پس از آنکه دو کارمند عالی رتبه بخش تعلیمی دولت در ولایت پکتیا به قتل رسیدند، کشته شد.<sup>60</sup>
- در 14 دسامبر 2005 دو جنگجو مظنون طالب بنابر گزارش معلمی معروف به لغمانی رادر ولسوالی ناد علی ولایت هلمند از صنف درسی شاگردان بیرون کشیده و در دروازه عمومی بعد از اینکه از شب نامه طالبان در مورد توقف دادن دروس برای دختران اظهار بی اطلاعی کرد به گلوله بستند.<sup>61</sup>
- بتاريخ 27 مارچ 2006 نیروهای مسلح طالبان بنابه گزارشی در اثنای شب یک مکتب متوسطه دخترانه در تنار ولسوالی کتر خاص ولایت کتر را گلوله باران کردند.<sup>62</sup>
- دیر هنگام شب 3 ستمبر 2006 شورشیان مظنون طالب به قریه قرباغی ولایت غزنی وارد گردیده. باشندگان را تهدید نمودند که از فرستادن دختران شان به مکتب جلوگیری نمایند و در غیر این صورت آنان آتش خواهند گشود.<sup>63</sup>

<sup>59</sup> گاردین (بریتانیا) " سرمعلمی توسط طالبان سر بریده شد"، 5 جنوری 2006

<sup>60</sup> آژانس خبررسانی افغان پژواک، " سرمعلمی در قندهار تیر باران شد"، 19 اکتبر 2005

<sup>61</sup> گاردین(بریتانیا) " هراس از نسل ضایع شده متعلم افغان با حمله طالبان بر مکاتب" 16 مارچ 2006

<sup>62</sup> آژانس خبررسانی پژواک " حریق مکاتب دخترانه در کتر" 28 مارچ 2006

<sup>63</sup> تلویزون آینه، کابل/شبرغان، 4 سپتامبر 2006

- بتاريخ 9 دسامبر 2006 شورشیان مظنون طالبان وارد خانه ای در ولایت کنر گردیده و دو خواهر را که معلم بودند همراه با مادر، مادر بزرگ و دیگر اقارب وی به قتل رساندند. ریاست معارف بنابه گزارشی اظهار داشت طالبان تهدید به مرگ خویش را عملی کردند. آنان هردو خواهر را اخطار داده بود که از تدریس دست بکشند در غیر ان کشته خواهند شد.<sup>64</sup>
- در گزارش اخبار شبانه بی بی سی<sup>65</sup> یک سخنگوی طالبان داکتر محمد حنیف حمله طالبان به مکاتب را انکار کرد. وی اظهار داشت: "مجاهدین امارت اسلامی مکاتب را نمی سوزانند و آنان مخالف سوختاندن مکاتب هستند. تخریب مکتب ویا شفاخانه مردم را متضرر می سازد. ومجاهدین هیچ گاهی دست به اقدامی نمی زنند که مردم اسیب ببینند.... بطور عموم این مکاتب از طرف نظامیان کرزی سوختانده می شوند تا مجاهدین را در میان مردم بی اعتبار سازد. من باز هم می گویم: مجاهدین مکتب را نمی سوزانند."
- انکار حنیف متناقض با نظامنامه طالبان که تایید کننده سیاست طالبان در سوختاندن مکاتب، هدف قراردادن معلمین و محدود کردن حق تحصیل است. ماده 26 تصریح میدارد: " اگر مکتبی هشدار بستن اش ناکام گردد باید سوختانده شود." نظر به ماده 24 موید مخالف طالبان با نظام آموزش کنونی در کشور است: " از انجام شغل معلمی تحت حاکمیت دولت مذور بیگانه منع شده است، زیرا باعث تقویت نظام کافران می گردد." قانون ادامه می دهد که "مسلمانها باید خواهان تعلیم توسط معلمان مذهبی گردند وباید در مساجد ویا بنگاه های شبیه به ان تعلیم داده شوند. کتب درسی باید از کتب دوران جهاد ویا رژیم طالبان باشد." تمام افغانهای ارزومند تحصیل دختران و پسران شان در چوکات ساختار حکومت کنونی خطر مزدور به شمار آمدن را دارند.
- در عین گزارش خبری شبانه بی بی سی دیدگاه جنگجوی طالب مولوی وحید الله را انعکاس داد که موافق با نظامنامه طالبان و متناقض با اظهارات حنیف بود: "ما مخالف مکاتب هستیم که فرهنگ غربی، سکولاریسم و وقاحت را تدریس می نمایند وقتی که مدارس مذهبی ما تخریب گردد و قران ما تکه تکه شود . ما ان مکاتب را خواهیم سوزانید. ما مخالف تعلیم و تربیه نیستیم؛ ما عاقل هستیم . اما وقتی انان مدارس مذهبی و قرانا ما را بسوزانند، ما می خواهیم دروازه ان مکاتبی را ببندیم کی می خواهند به شاگردان انان تدریس نمایند تا یونیفورم بدن نما داشته باشند."
- در یک مصاحبه تلفونی قاری یوسف احمدی با سازمان عفو بین الملل ادعا کرد که طالبان: "مکاتبی را بسته است که کتب درسی شان در امریکا به چاپ رسیده است" و ان مکاتبی که " کریکیولم درسی شان توسط خارجی ها انکشاف داده شده." وی ادعا کرد که طالبان " مخالف کریکیولم درسی مکاتب است نه مخالف ساختمان مکاتب."<sup>66</sup>

<sup>64</sup> اسوشیتید پرس " قانون جنید طالبان معلمین را نشانه می گیرد" 9 دسامبر 2006

<sup>65</sup> دیوید لوین " همسفری با طالبان" گزارش برنامه شبانگاهی بی بی سی، منتشره ای 25 اکتبر 2006

<sup>66</sup> مصاحبه تلفونی سازمان عفو بین الملل با سخنگوی طالبان قاری یوسف احمدی در 25 اکتبر 2006

در جنوری 2007، عبدالحی مطمئن سخنگوی دیگر طالبان اعلان داشت که تحریک مکاتب را در 10 ولسوالی تحت کنترل شان در جریان ماه های می و جون 2007 به هزینه یک میلیون دالر باز گشایی خواهند نمود. دربیانات خویش مطمئن ذکری از کمپاین سریع بر علیه تعلیم و تربیه دولتی نکرد. وی گفت دروس مطابق کریکیولم درسی دوران کنترل افغانستان در بین سالهای 1996-2001 توسط طالبان خواهد بود.<sup>67</sup> مطابق پلان درگام نخست مکاتب بچه گانه و بعدها مکاتب دخترانه تاسیس خواهند شد.<sup>68</sup> در این پیشرفت علاقمندی خاص ثبت شده طالبان به تعلیم تربیت از زمانی که آنها بر اریکه اقتدار تکیه زده بودند تا به حال بوده است. دران هنگام زنان و دختران از تمام حیات آموزشی شان در تمام مناطق محروم گردیده بودند، مکاتب دخترانه در سراسر کشور بسته شده بود و زنان معلم از کار کردن منع شده بودند. محدودیت های کثیری بر اساس تاکید روی تعلیم بسته مذهبی با هزینه ای دیگر مضامین بالای کریکیولم رایج کشور تحمیل گردیده بود. خصومت طالبان در مقابل تعلیم دختران تا به امروز مروج است و ضم شده با برنامه های کنونی آنان. وعده تعمیر مکاتب دخترانه آنان انعکاسی است شبیه به وعده دوران حاکمیت آنان است که اصلا به تعهد خویش وفا نکردند.

### حمله به زنان:

برخورد ستم پیشه گونه طالبان در مقابل زنان زمان حاکمیت شان 1996-2001 به وضاحت به ثبت رسیده است.<sup>69</sup> تحت قوانین سختگیرانه آنان در تمام عرصه های زندگی علیه زنان تبعیض قایل می شدند به شمول چشم پوشی از تحصیل، کار، آزادی گشت وگذار و حضور و نمایندگی سیاسی. آنان از عرصه زندگی اجتماعی رانده شده بودند و از تعلیم قدغن شده بودند، کار ویا بیرون رفتن از خانه همراه با یکی از محارم، یکی از اقارب خونی مرد. محدودیت بسیار جدی از گشت و گذار عملا آنان را در خانه محصور کرد.<sup>70</sup> تاثیرات اینگونه محدودیت ها بالای بیوه ها و زنان سرپرست خانواده بی نهایت ناگوار بود. انواع خشونت های جنسی از طرف طالبان علیه زنان اعمال گردید مانند توسط سنگسار از بین بردن زانی ها.<sup>71</sup> در جریان این مدت مکررا سازمان عفو بین الملل نگرانی خویش را در قبال چنین سیاست ها ابراز داشت.<sup>72</sup>

<sup>67</sup> بیانیه منتشره شورای رهبری طالبان بازگشایی مکاتب در 10 ولسوالی تحت کنترل شان.

<sup>68</sup> بی بی سی "طالبان، اعمار مکاتب افغانی" 23 جنوری 2007

<sup>69</sup> رشید احمد طالبان: داستان انتقادی جنگسالاران افغان 2001. کتاب متذکره بار اول در سال 2000 تحت عنوان طالبان اسلام نظامی، نفت و بنیاد گرایی در آسیای مرکزی به نشر رسید.

<sup>70</sup> قابل یاد اوریست که از زمان به قدرت رسیدن طالبان در سال 1996 تا 2001، سنت ها و عادات که در افغانستان بوجود آمده است را منحنی قوانین ملی به مرحله اجرا گذارده است. دیدگاه طالبان نسبت به زنان و برخورد با آنها بنیادگرایانه است، اما برای باشندگان جنوبی افغانستان ناگوار نیست.

<sup>71</sup> بعنوان مثال:

- کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد، گزارش گزارشگر خاص از اعمال خشونت علیه زنان، علت ها تاثیرات ان، خانم رادهیکا کوماراسوامی، در تطابق با عکس

العمل کمیسیون حقوق بشر 44/1999 هیئت اعزامی به پاکستان و افغانستان (1-13 سپتامبر 1999)

- اسوشیتد پرس "طالبان مادر و دختری را بخاطر رفتار غیر اخلاقی در ملا عام شلاق زدند." 19 اپریل 1999

<sup>72</sup> بعنوان نمونه مراجعه شود:

- عفو بین الملل، زنان در افغانستان، دست و پا زدن گروگانان تحت سیطره مردان

در جنگ های مسلح کنونی، زنان در خطر مواجه با حملات، تهدیدات و اذیت طالبان و دیگر گروه های مسلح قرار دارند. در جریان دو سال گذشته کارمندان صحتی و خیریه زن، کاندیدان انتخابات، معلمان، فعالین حقوق زن و دیگر مدافعین در معرض تهدید و حملات قرار داشته اند و در بعضی موارد منجر به مرگ آنان گردیده است. زنان همچنان در بعضی حملات عاری از تعصب همانند انفجار بمب های انتحاری کشته و یا زخمی گردیده اند. قسمیکه در بالا تذکر رفت، نظام آموزشی کشور تحت حملات بیرحمانه طالبان و دیگر گروه های مسلح مکاتب دخترانه و معلمان آنان را مورد حمله قرار می دهند.

### حمله به مدافعین حقوق زن

در 25 سپتامبر 2005، صدای جهاد؛ امارت اسلامی افغانستان معروف به الاماره، وبسایت کاملاً هم پیوند با طالبان اعلامیه را به نشر سپرده که در آن صفیه عمه جان رئیس امور زنان ولایت قندهار " توسط مجاهدین امارت اسلامی به جرم جاسوسی برای ایالات متحده امریکا و فعالیت برضد مجاهدین تحت پوشش حقوق زن به گلوله بسته شده و به قتل رساند." <sup>73</sup> یکی از فرماندهان طالب ملا حیات الله خان در گزارشی بیان داشت که صفیه عمه جان اعدام گردید زیرا وی در دولت کار می کرد. " ما بارها و بارها به مردم اعلام داشته ایم که هرکسی در دولت کار نماید به شمول زنان، کشته خواهد شد." <sup>74</sup>

وقتی از سخنگوی طالبان قاری یوسف احمدی در باره قتل صفیه عمه جان پرسیده شد وی مسوولیت پذیری قتل صفیه عمه جان را از جانب گروه طالبان بنابر بیانیه منتشر شده در روز قتل وی در وبسایت الماره رد کرد. <sup>75</sup>

قتل صفیه عمه جان بیشتر اذهان را متوجه خطری ساخت که فعالین حقوق زن و مدافعین حقوق بشر هر روز در جریان درگیری های مسلحانه در افغانستان با آن مواجه اند. قتل صفیه عمه جان برای فعالین حقوق زن انانیکه فعالیت های شان با در نظر داشت هنجارهای زنان جامعه افغانی، سرپیچی از هنجارهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی به شمار رفته و باعث ایجاد خصومت می گردد. <sup>76</sup>

<sup>73</sup> بیانیه طالبان در وبسایت الاماره تأیید مرگ صفیه عمه جان: "امارت اسلامی افغانستان" نام اداری افغانستان در زمان تسلط طالبان در افغانستان بود. همچنان مراجعه شود به: بیانیه عمومی سازمان عفو بین الملل: افغانستان، نقض قوانین جنگی و هشدار در محافظت فعالین.

<sup>74</sup> اندیپندنت (بریتانیا): زنی که طالبان را به مبارزه طلبید و جانش را از دست داد. 26 سپتامبر 2006

<sup>75</sup> مصاحبه تلفونی سازمان عفو بین الملل با قاری یوسف احمدی سخنگوی طالبان در 25 اکتبر 2006

<sup>76</sup> سازمان عفو بین الملل، افغانستان، زنان هنوز هدف حملات - یک شکست سیستماتیک در حفاظت.

همتای هلمندی صفیه عمه جان، فوزیه علمی حین ملاقات در دفتر والی در ماه اپریل 2006 از جانب مردان مسلح مورد حمله قرار گرفت.<sup>77</sup> وی ریاست مرکز زنان را بعهدہ دارد که صنوف آموزشی خیاطی، ریاضی، کمپوتر، انگلیسی و آرایشگاه برای زنان دایر می نماید. محاسب وی که رانندگی می نمود در حمله متذکره به قتل رسید. تا هنوز هیچ جناحی نه طالبان و نه گروپ های مسلح دیگر مسوولیت حمله را بعهدہ گرفته است. فوزیه علمی تلفون های تهدید کننده به مرگ را دریافت می کرد که بعد از قتل عمه جان از سر گرفته شده است. : " یکی یا تماس تلفونی را در اثنای صبح دریافت می کنم و نمی دانم که این افراد کی ها اند." وی از تهدیدات ارباب کننده در گرشگ ولایت هلمند که اغلب زنان با آن روبرو می شوند خبر می دهد. فعالیت های کمکی برای زنان در این ولایت بکلی متوقف گردیده است، درحالیکه لشکرگاه مرکز ولایت هلمند تنها محلی است که در آن فعالیت های کمکی برای زنان جریان دارد. حملات شورشیان بشدت بالای زنان تاثیر وارد نموده و باعث زینهای روانی می گذارد. وی اظهار میدارد. " اعدام، قتل و ترور زنان را از بین برده است." وی علاوه می نماید.

همتای دیگر صفیه عمه جان در ولایت نورستان در ارتباط با عفو بین الملل اظهار داشت که وی از لحاظ امنیتی با تهدید مواجه گردیده است. تهدیدات از طریق تلفون موبایل، شب نامه ها و ارسال پیام باندها به دفتر کاری وی صورت می گیرد. روسای امور زنان ولایات نیمروز، فراه، زابل، خوست، ارزگان، پکتیا، لوگر و پکتیکا بنا بر گزارشات هشدارهای تهدید به مرگ را از طریق تماسهای تلفونی مردان نا شناخته دریافت می نمایند. رویهمرفته، تمام این ولایات مناطق جنوبی و قسمت های از مرکز شرق افغانستان را در بر می گیرد.

#### نامه از مدافع حقوق زن

بتاریخ 3 اکتبر، یکی از مدافعين هميشگی حقوق زن در ولایت جنوبی قندهار<sup>78</sup> در نوشته ای به سازمان عفو بین الملل شرح داد:<sup>79</sup> "با وجود بشدت وخیم شدن وضعیت امنیت در شهر قندهار، من می خواهم به شیوه مدیرانه و محتاطانه در میان محیط اکنده از تهدیدات حتمی به فعالیت های خویش در راستای دفاع از حقوق زن ادامه دهم. برای بدست آوردن حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زنان مبارزه می نمایم، ما جلسات خویش را در خانه های شخصی دایر می نمایم تا بتوانیم روی موضوعات مهم مرتبط با حقوق شهروندی ما شرح و مناقشه داشته و طروق گوناگونی را برای حفظ آن جستجو نمایم. چیزی که در این روزها زنان ولایت قندهار را تهدید جدی می نماید امنیت و مصونیت خارج منزل آنان است: مصونیت در میان تهدیدات تروریستی از جانب بنیاد گرایان و طالبان دوباره گرد آمده و جنگ های کنونی میان نیروهای دولتی و ملیشه ها در منطقه. بدین لحاظ زنان جرات بر آمدن از خانه و فرستادن دختران شان به مکتب را ندارند. از جانب دیگر نا امنی غذایی و شغلی به تزیف بیشتر زنان درین جامعه سنتی می انجامد."

" تقریباً هر روز حملات انتحاری، انفجار بمب و جنگ که همیش باعث کشته شدن تعدادی زیادی افراد ملکی به شمول زنان و دختران .... می گردد، اتفاق می افتد"

وی ادامه می دهد:

<sup>77</sup> مصاحبه تلفونی با فوزیه علمی رئیس امور زنان ولایت هلمند با سازمان عفو بین الملل، 5 مارچ 2007

<sup>78</sup> از ذکر نام بخاطر مسایل امنیتی خود داری گردیده است.

<sup>79</sup> معلومات بیشتر در مورد دفاع از حقوق زن در قندهار و نسخه مفصل تر آن قابل دسترس در <http://web.amnesty.org>

## آنهایکه با ما نیستند، دشمنان ما محسوب میگردند. خشونت های طالبان علیه افراد ملکی

صفحه 24

" مکاتب دخترانه یا بکلی سوختانده و تخریب گردیده است و یا به اثر تهدید طالبان مسدود گردیده است. مردم در مناطق جنگ زده در حال حاضر می گویند ما از هردو جانب درگیر هم طالبان و دولت/ ائتلاف متفتر هستیم"

" من هم گزارشات را تایید می کنم که در ظرف ماههای گذشته در مناطق مختلف شهر و ولسوالی ها چندین اتفاق قتل صورت گرفته که هیچ یک از طرفین مسوولیت آنرا به عهده نگرفته است. در اکثر موارد، احتمال می رود که ریشه در خشونت های محلی داشته باشد و کشتار تروریستی اخیر طالبان بخاطر متوقف ساختن بیرون برآمدن زنان از خانه بخاطر کار برای بدست آوردن معاش انجام می گیرد."

" اگر در مورد امنیت شخصی من نگرانی داشته باشید، من تا بحال تنها خودم هستم. هیچ محافظی موظف از طرف دولت ندارم و نه می توانم محافظ شخصی جهت همراهی در تمام وقت با خود داشته باشم. در ماه های قبل تهدیدات تلفونی از طرف تعدادی از افراد ناشناس دریافت می

نمودم، تهدید می نمودند که در صورت عدم توقف فعالیت های حمایت از حقوق زن آنان مرا خواهند کشت. به قسم اقدام پیشگیرانه در این روزها صورتم را تا حدی که ممکن باشد پائین میگیرم تا اندکی مطمئن تر درحول و حوش حرکت کرده بتوانم."

با نهادینه شدن شورشگری وضعیت حقوق بشری برای زنان و دختران تدریجا بحرانی گردیده است. زنان هراس برآمدن از خانه و فرستادن دختران شان به مکتب را دارند، ازادی گشت وگذار آنان به شمول توانمندی انجام کار که بتوانند از خانه بیرون بروند و سهم گیری در زندگی اجتماعی محدود گردیده است.<sup>80</sup> عدم مصونیت و امنیت فعالین حقوق زن فاش کننده ایست از گستردگی نا امنی هایی که زنان در افغانستان با آن مواجه است. درگزارشی از سازمان غیر دولتی بانوان بریتانا آمده است: " ناامنی بعنوان مشکل توان فرسای شخصیت سازی تمام جوانب زندگی روزانه زنان باقی خواهد ماند."

81

ماده عام سوم از کنوانسیون چهارم ژینوا بوضوح تبعیض بر اساس جنسیت را ممنوع قرار داده است. " در پهلوی ذکر موضوعات دیگر بصراحت بیان می کند که " اشخاصیکه در عمل خصومت امیز فعالانه سهم نگرفته اند.... باید در تمام شرایط مورد رفتار انسانی قرار گیرند بدور از هرگونه تفکیک از نگاه قوم، رنگ و مذهب و عقیده و جنس و ثروت و یا موارد مشابه" ماده عام 3 با ذکر نکات چندی " خشونت در زندگی و فرد" بی حرمتی به شخصیت فردی وبصورت مشخص رفتار حقارت امیز و تحقیر کننده" را ممنوع قرار داده است.

ماده 4 پروتکل دوم الحاقی مشخصا درمیان دیگر چیزها " ایجاد مراکز هتک حرمت و هرگونه عملیات شرم اور را منع می نماید." این ماده با در نظرداشت حقوق بین الملل عمومی بیان گردیده است.<sup>82</sup> قسمیکه تذکار رفته است، طالبان مرتکب اعمال خشونت و ستم علیه زنان چه در گذشته و حال گردیده اند.

<sup>80</sup> سازمان عفو بین الملل، موانع حمایت از حقوق زنان در قندهار، اکتبر 2006 <http://web.amnesty.org>

<sup>81</sup> ومن کابند، تکینگ ستاک، زنان و دختران افغان پنج سال زیر، اکتبر 2006 <http://www.womankind.org.uk>

<sup>82</sup> جین مری هینکرتس و لوئیس دوسوالد بک، حقوق بشری بین الملل عمومی شماره 1، ماده ها (کمبریج: مطبعه پوهنتون کمبریج 2005) ماده 134.

در خواست ها:

سازمان عفو بين الملل از تمام گروه هاي ذيدخل در جنگ خواسته است که با تمام افرايکه در خصومت ها فعالانه سهيم نيستند بدون استثنا هميشه بايد برخورد انساني با احترام به حقوق شان طبق ماده هاي ذيربط کنوانسيون ژينوا و معيارهاي قوانين بين المللی بشر دوستانه صورت گيرد.

به طالبان و ديگر گروه هاي مسلح

سازمان عفو بين الملل از تمام گروه هاي مسلح در افغانستان مي خواهد که فوارا متوقف بسازند:

- مورد حمله قرار دادن افراد ملکی و تاسيسات و ملکيت عامه، حملاتي که تلاش در جهت تشخيص ميان اهداف نظامی و شهروندان و ملکيت هاي افراد ملکی صورت نگرفته ؛ تمام حملات نا متجانس.
- بصورت مشخص، حمله بالاي معلمين، شاگردان، کارمندان تعليمی و ساختمان مکاتب. تمام حملات بالاي کارمندان سازمان هاي بشردوستانه ملی و بين المللی و نمايندگی ها و

حملات انتحاری غیرهدفمند باعث مرگ غیر نظامی ها میگردد :  
محمد حنیف سخن گوی طالبان بتاريخ 11 سپتمبر 2006 گفت : « ما دسته ای از فدائیان حملات انتحاری را آماده ساخته ایم " در جریان سالهای 2005 و 2006 صدها افغان در نتیجه بمب های تعبیه شده در موتوروسایل انفجاری مانند بمب های جاسازی شده در کنار سرک و حملات انتحاری منتسب به طالبان جان شانرا ازدست دادند . آنهايیکه کشته وزخمی شده اند شامل اطفال نیزمی باشد 105.

حملات انتحاری در افغانستان تا سال 2001 ناشناخته بود 106. ولی حالا بشکل عادی و روز مره شیوه از جنگ طالبان محسوب میشود . در ماه نوامبر 2005 ملاعبیدالله قومندان و وزیر دفاع سابق طالبان اعلان نمود که " طالبان از مدت ها قبل برای حملات انتحاری آماده گی گرفته وبرنامه ریزی کرده اند و شماری زیاد از طالبان در تمام شهرهای افغانستان بشمول کابل حاضرند تا به این امر دست بزنند فقط انتظار می کشند تا دستوری را مبنی بر حمله دریافت نمایند " 107. کمی بعدتر در فبروری 2006 گزارش شد که قومندان طالبان ملا داد الله چنین گفت : « ما برای 200 نفر خبر داده بودیم که الحمدالله ، اما تعداد ذکر شده اکنون به هزار ها نفر میرسد و این رقم در حال افزایش می باشد 108.  
تعدادی از حملات انتحاری انجام یافته از زمان انتخابات ملی و ولایتی در سپتمبر 2005 افزایش یافته است .  
رقم تهیه شده توسط بخش امنیت و مصونیت ملل متحد (UNDSS) بیانگر این واقعیت است که حملات انتحاری به تناسب دو سال قبل شش افزایش یافته است . در سال 2006 123 مورد حمله انتحاری وجود داشته است . از آنجاییکه کل رقم حملات انتحاری در سال 2005 به 17 مورد می رسید .

مجموعاً 237 مورد حملات انتحاری در سال 2006 در دفتر UNDSS ثبت گردیده است . 109 . علاوه رقم ذکر شده توسط ناتو نشان میدهد که 519 غیر نظامی در اثر حملات انتحاری که در آن از وسایل انفجاری سریع العمل ، مانند بمب های کنار سرک استفاده شده در سال 2006 هلاک گردیده اند.

- 
105. رادیو ازاد اروپا / رادیوی ازادی : وقایع حملات انتحاری در افغانستان از سال 2001 . 17  
[www.rferl.org/featuresarticle/2006/01/9ac36a59-d683-4189-a2b9-94fe5fbf332ad.html](http://www.rferl.org/featuresarticle/2006/01/9ac36a59-d683-4189-a2b9-94fe5fbf332ad.html)  
106 اولین حمله انتحاری توسط الجزایری که فرمانده اتحادیه شمال ، احمد شاه مسعود را در 9 سپتمبر 2001 هدف قرار داد.  
دومین حمله انتحاری در 11 سپتمبر به ایالات متحده امریکا صورت گرفت . حمله انتحاری دیگر در 9 جون 2003 در یک تکیه کسی مواد منفجره جابجا شده بود که با بس ISAF تصادم نمود که در آن عساکر جرمن بودند .  
107. رویتر : حملات انتحاری در افغانستان یک تهدید و خطر جدی برای ناتو و امریکا 17 نوامبر 2005  
108 . مصاحبه نشریه اسلامی افغان با ملا داد الله 8 فبروری 2006  
109. رقم تلفات غیر نظامی ها شامل افراد تلف شده انتحار کننده ها نمیشود .  
110. خلاصه نشریه ناتو : 2 نوامبر 2006 : <http://www.nato.int/docu/speech/2006/s061102d.hm>

خواه هدف حملات انتحاری افراد نظامی یا غیر نظامی باشد غالباً سبب افزایش جراحات و تلفات غیر نظامی ها میگردد . در عین حال مقاصد نظامی مانند دسته ها و قرارگاه های نظامی هدف حملات انتحاری قرار گرفته اما شهروندان و اهداف ملکی مثل دوکان ، مارکیت ، غرفه و مکاتب آسیب های ازین رهگذر را متقبل می شوند. در قضایای دیگر شهروندان که فعالانه در عملیات نظامی سهم نگرفته اند مانند پولیس ، والی ها ، سفیران ، کارمندان خدمات عامه و افراد دیگر ، هدف حملات انتحاری قرار گرفته اند.

به اساس قانون بین المللی بشردوستانه هدف قرار دادن غیر نظامی ها بصورت قصدی و رهبری شده که موضوع دشمنی را در بر نداشته باشد غیر قانونی پنداشته میشود . همچنان اگر هدف یک حمله ، نظامی ها باشد در صورتیکه بالای غیر نظامی ها حمله صورت گیرد ، این امر غیر قانونی شمرده میشود . به اساس قانون بن که افغانستان انرا در سال 2003 به امضا رسانیده است . هر دو نوع حملات جنایات جنگی محسوب میشود . 111

به اساس قانون بین المللی بشر دوستانه اعضای پولیس و شهروندان مشابه که مربوط نیروهای امنیتی است شهروندان عادی پنداشته می شود ، بنابراین حمله بر این اهداف غیر قانونی بوده مگر اینکه آنها سهم فعال و مستقیم در خصومت بگیرند . 112  
قضایای زیر نمونه های از حملات بی تشخیص که گفته می شود طالبان انجام داده است .

در اواسط ماه نوامبر 2005 سه حمله انتحاری در فاصله سه روز بالای دسته های نظامی انجام گرفت که منجر به از بین رفتن یک شهروند جرمنی و چندین شهروندی عادی افغان شد . ملا عبید الله قومندان و وزیر دفاع سابق طالبان در جریان سالهای 1996 - 2001 چنین گزارش میدهد که جنگجویان طالب برنامه های انتحاری درازمدت آماده نموده اند و شمار وسیع از طالبان در تمام شهر ها بشمول کابل حاضر بعمل و تنها منتظر امر هستند. 113  
- در 5 جنوری 2006 سفیر امریکا در حالی که والی ارزگان را ملاقات می کرد مورد حمله انتحاری قرار گرفت که به اساس گزارش ها در آن حد اقل 10 نفر کشته و 50 تن دیگر زخم برداشتند . فکر میشود که تمام قربانی ها را افراد غیر نظامی تشکیل میدهد . قاری یوسف حمیدی ادعا میکند که ملا عبدالله رحیم یکی از باشندگان ولایت ارزگان حمله انتحاری را به طرف داری طالبان انجام داد . 114

111. ماده 8 قانون روم

112. ماده 3 کنوانسیون ژنیو

113. رادیوی ازادی اروپا / رادیوی ازادی / یک واقعه حمله سال 2001

17 جنوری 2006 [www.rferl.org/featuresarticle/2006/01/9ac36a59-d683-4189-a2b9](http://www.rferl.org/featuresarticle/2006/01/9ac36a59-d683-4189-a2b9)

114. اژانس خبری پژواک افغان : حمله انتحاری 10 کشته بجا گذاشت و سفیر امریکا فرار کرد

5 جنوری 2006 [www.pajhwak.com/vistory.asp](http://www.pajhwak.com/vistory.asp)

- به اساس گزارش ها بتاريخ 31 جولای 2006 گل اغا شیر زی والی ننگرهار از انفجار بم کنترل از راه دور که در اثر آن 5 پولیس و سه غیر نظامی از بین رفتند جان سلامت برد. در این حادثه 5 پولیس و بیش از 7 غیر نظامی جراحت برداشتند. موتر پولیس قبل از این که والی ننگرهار مسجد را ترک کند انفجار کرد. محمدحنیف سخن گوی طالبان در نشریه اسلامی افغان توضیح داد که یک جنگجوی طالب بنام احمد بسیر این حمله را انجام داده است 115.

- بتاريخ 28 اگست 2006 یک انتحار کننده مارکیت لشکر گاه را هدف قرار داد که در اثر آن 17 نفر کشته و 47 تن دیگر زخم برداشتند. ظاهراً قاری یوسف سخنگوی طالبان که مسئولیت این حمله را بعهده گرفته است و از کشته شدن تعداد زیاد افراد اظهار تاسف نموده و گفت که خان نورزی که رئیس پولیس سابق بود هدف حمله قرار گرفت و همراه با پسرش در این حمله از میان رفت. شماره 116

- بتاريخ 10 سپتمبر عبدالحکیم تنیوال والی پکتیا و وزیر سابق صنایع و معدن در یک حمله انتحاری همراه با برادر زاده و محافظش شخصی اش کشته شدند. حمله انتحاری در مرکز ولایت گردیز توسط انتحار کننده که خود را بالای موتر موصوف انداخت صورت گرفت. محمد حنیف مسوولیت این حمله را به عهده گرفته و افزود که مجاهدین ما حملات مشابه را نیز سازماندهی خواهد کرد و ما گروهی فداییان انتحار کننده را آماده کرده ایم. 117

- بتاريخ 18 سپتمبر 2006 فرد انتحاری موتر عساکر کانادایی را در حالیکه مصروف توزیع قلم و کتابچه برای اطفال قریه چار کوه در پشمل بودند هدف قرار داد. به اساس گزارشات، حد اقل 4 سرباز کشته شد و تعداد از غیر نظامی ها نیز در این حادثه صدمه دیدند، بیش از 24 غیر نظامی زخم برداشتند که بیشتر آنها اطفال بودند. قاری یوسف ا حمدی مسوولیت این حمله را به عهده گرفت و گفت که جنگجوی طالب قندهاری به نام قدرت الله این حمله را علیه موتر کانادایی انجام داده است.

- بتاريخ 26 سپتمبر 2006 محمد داود صافی والی هلمند هدف حمله انتحاری قرار گرفت، طبق گزارشها حد اقل 18 غیر نظامی بشمول حاجیان که مصروف حل اداری جهت رفتن به مکه بودند در این حمله کشته شدند. بمب در محل تلاشی بیرون از دروازه پیشینی منفجر شد. قاری محمد یوسف مسوولیت این حمله را به عهده گرفته و افزود یکی از اعضای طالبان از ولایت هلمند به اسم سیف الله این حمله را انجام داده است. 119

115. نشریه اسلامی افغان: طالبان مسوولیت انفجار ننگرهار را پذیرفت 31 جولای 2006

[www.afghanislamicpress.com/site/default.asp](http://www.afghanislamicpress.com/site/default.asp)

نشریه اسلامی افغان: در انفجار ننگرهار از جمله 8 کشته شده دو تن از طفل اند 31 جولای 2006

[www.afghanislamicpress.com/site/default.asp](http://www.afghanislamicpress.com/site/default.asp)

116. گاردین UK 17 کشته در حمله انتحاری افغان مارکیت 29 اگست

[www.guardian.co.uk/afghanistan/story](http://www.guardian.co.uk/afghanistan/story)

117. ناتو ادعا نموده که 100 طالب کشته شده در اثر حمله والی ولایت 11 سپتمبر 2006

<http://www.news.independent.co.uk/world/asia/article1466358.ece>

118. حمله انتحاری در اجتماع اطفال 18 سپتمبر 2006 نشریه BBC: کانادایی ها کشته شدند در بم 18 سپتمبر 2006

<http://news.bbc.co.uk/2/hi/south/5355478.stm>

آنهايکه با ما نيستند، دشمنان ما محسوب ميگردند.  
خشونت هاي طالبان عليه افراد ملکی

## صفحه 29

- بتاريخ 26 فبروري 2007 مرکز اصلی نظامیان امریکاییها در بگرام مورد حمله انتحاری قرار گرفت که تلاش واضح برای از بین بردن دیک چینی معاون رئیس جمهور امریکا انجام گرفت که در حال دیدار از افغانستان بود. به اساس گزارش ها 12 نفر افراد عادی بشمول 2 سرباز و یک امریکایی تسهیل کننده عقد قرارداد کشته شدند. بیشتر از 27 نفر در این حمله زخم برداشتند. ملا حیات خان سخنگوی طالبان طبق گزارش ها مسوولیت این حمله را به عهده گرفت. 120

### نوجوانان انتحاری :

شواهد زیر که نگاه و بینش روشن را در اندیشه طفل 15 ساله طالب که حاضر و مشتاق به انجام حملات انتحاری است فراهم می سازد. میخوام زندگی ام را در راه اسلام قربانی کنم. وی ادامه میدهد : اینجا مملکت ما است و ما مسلمان هستیم و بریتانیاییها، می بخشید خارجی ها در این جا هستند. بناء می خواهم که خارجی ها را بیرون کنم. این دلیل است که چرا حاضرم خود را منفجر کنم تا آنها را بکشم، این وظیفه من است. مرجع : شواهد توسط یک ناظر مستقل حاضر در افغانستان از می الی اکتوبر 2006 که نامش بدلائل امنیتی اعلان نگردیده تهیه شده است.

قاری یوسف احمدی سخنگوی طالبان توسط عفو عمومی بین الملل مورد پرسش قرار گرفت که آیا طالبان این را وظیفه شرعی خود فکر کرده اند تا در جریان حملات از خطرات بزرگ ناشی از آن برای غیر نظامی ها جلوگیری نمایند. احمدی اعتراف کرد که غیر نظامی ها در جریان حملات کشته شدند مگر طالبان نهایت تلاش خود را انجام میدهند تا غیر نظامیها را هدف قرار ندهند و اضافه نمود که با اطمینان میتوانم بگویم که یک تعداد غیر نظامی ها که تعداد آنها اندک است اشتباها هدف قرار میگیرند. حتی در بعضی از قضایا عملیات های ما بخاطر مصونیت افراد غیر نظامی به تعویق انداخته می شود. در مورد حمله انتحاری 18 سپتمبر 2006 سوال شد که در آن توجه اندکی بخاطر مصونیت اطفال صورت گرفته بود، احمدی ادعای شمار زیادی از نشریات را که در آن حمله اطفال در ساحه بودند رد کرد. اصولنامه طالبان مشمول مسئله حمله ای انتحاری نمی شود و با این موضوع بصورت جداگانه در صفحه 49 یک سند تحت عنوان موشک های عمر " مسیر کوتاه به بهشت " برخورد شده است. نویسندگان این کتاب، مجاهدین اسلامی، با تفاسیر شان از جهاد مطابق به قرآن، حدیث و فرمان های مذهبی از مکاتب گوناگون اسلامی، حمله انتحاری را مشروع میدانند.

119 : نشریه اسلامی افغانستان : طالبان مسوولیت حمله انتحاری لشکر گاه را به عهده گرفتند 26 سپتمبر 2006

[www.afghnislamicpress.com/site/default.asp](http://www.afghnislamicpress.com/site/default.asp)

associated press 18 کشته در افغانستان در حمله انتحاری 26 سپتمبر 2006  
[news.independent.co.uk/world/asia/article\\_1757409.ece](http://news.independent.co.uk/world/asia/article_1757409.ece)

120. اژانس رویتر : طالبان میگویند که چینی در افغانستان مورد حمله انتحاری قرار گرفته 27 فبروري 2007

121. amnesty مصاحبه بین المللی تلفونی همرا با قادر یوسف حمیدی در 25 اکتوبر 2006

## 5. عدالت خشن و کشتن غیرقانونی اسراء

قاری یوسف احمدی سخن گوی طالبان بتاريخ 25 اکتوبر 2006 چنین گفت : ما سخت تلاشی کنیم که با زندانیان بدرفتاری نکنیم .

در ساحات تحت تصرف طالبان وقایع شکنجه و اعمال تهدید آمیز مانند تهدید کردن ، کشتن و زدن شهروندان عادی گزارش شده است . ماده 3 کنوانسیون ژنیوا در سند چهارم اش تمام اعمال فوق را ممنوع دانسته و انواع تهدیدها را نسبت به تمام افراد که سهم فعال در این دشمنی ها ندارند ممنوع دانسته است .

به اساس ماده 16 اصولنامه طالبان " رزمنده های طالب بدون اجازه قومندان ولسوالی و یا ولایت اجازه تلاشی خانه ها و ضبط سلاح را ندارند . ماده 17 این قانون گرفتن پول و گرفتن مالکیت غیرنظامی هارا ممنوع ساخته است . بنابراین شماری زیادی از گزارش ها اعمال متناقض طالبان که در تضاد با قانون نافذ شان است نشان میدهد .

به اساس راپور ها در دسمبر 2005 باشنده های ولسوالی های زابل به سازمان عفو بین الملل اطلاع دادند که طالبان اهالی قریه های ذکر شده را مورد تهدید قرار میدهند تا برای شان غذا ، تیل و احتیاجات دیگری را آماده سازند . در شاه جوی طالبان دهقانان را مجبور به پرداخت تکس و اجناس دیگری نموده اند . در صورت رد این تقاضا از طرف دهاقین آنها با تهدید ، ربودن و فیر مرمی روی اولاد شان مواجه می شدند .

یکی از اعضای دفتر یونما چنین گزارش میدهد : شکل و شیوه کاری طالبان بخصوص در ماه ها و هفته های اخیر از زمانی پیروزی ISAF تغییرات زیاد داشته اند .

یقینا از اواخر سال گذشته واضح شد که افغان های ساکن در محلات و مناطق طالبان نشین خواست و نیت حمایت کمتری از آنها دارند . بدین ملحوظ طالبان بخصوص طالبان خارجی از اهالی ولسوالی ها و ولایات را بصورت خشن مجبور میساختند تا برای آنها و به نفع آنها جنگ نمایند . قصه های تایید نشده از اختطاف و افراد دیگری که مورد تهدید قرار گرفته اند تا پسران جوان شانرا بخاطر جنگ همراهی طالبان آماده سازند ، وجود دارد 112 . سازمان عفو بین المللی در مصاحبه 5 مارچ 2007 از گرفتن نام بنا بر ملاحظات امنیتی خودداری کردند .

یک ناظر مستقل (123) که از کمپ موقت مهاجرین در هلمند دیدار نمودند با مهاجری که از جریان جنگ از قریه خود حین رسیدن طالبان در آنجا، فرار نموده بود، چنین گفت: بخاطر فرار از درد و عذاب به اینجا آمدم، ما نمی خواستیم که با طالبان بخاطر پول که آنان میدادند کشته شویم. یک افغان دیگری درین مورد چنین نظر داد: بطور مثال اگر شخصی توسط طالبان دستگیر شود وی را بزور مجبور میسازد تا از آنها حمایت نماید و در صورت عدم قبول وی را متهم به دولتی بودن میسازند

در ساحات تحت کنترل طالبان، اصول و قانون طالبان شریعت اسلام است مگر این امر وسیعاً از طریق ترس، وحشت و تهدید عملی میشود. افغان های غیر نظامی که در محلات زندگی می نمایند با انواع تهدید ها و آزارها مواجه اند. در لشکرگاه - هلمند طالبان شورش دروازه مهمان خانه ای را شکست و در آن داخل شدند و سربازان مهمانرا بخاطر شنیدن موسیقی تراشیدند و به تعقیب آن مورد لگد و کوب قرار دادند و آنان را در صورت تکرار این امر تهدید به مرگ کردند. عین همین حکایت در مورد شخص دیگری در قریه پسته صورت گرفته بود و به آنها چنین گفته شده بود که در صورت شنیدن موسیقی ویا تراشیدن ریش مطابق شریعت جزا ببینند. 124

#### آدم ربایی و کشتار

سازمان عفو بین المللی نگرانی شدید اش را ازین خبر که افغان ها و خارجی ها توسط گروه طالبان ربوده میشود نشان داد. اکثر اختطاف شده گان بعداً به قتل میرسیدند. اکثر قربانی ها را افراد غیر نظامی بشمول کارمندان موسسات خیریه، ساختمان و موثروانها تشکیل میدهند.

طالبان و گروههای نظامی دیگر به مقاصد و اهداف مختلف آدم ربایی و یا اختطاف میکنند که این امر شامل فشار بر خارجیها مبنی بر خروج نیروهای شان از افغانستان نیز می شود. و یا خارجی ها را مجبور به تعلیق در آوردن شرکت های تجاری شان در افغانستان مینمایند. طالبان به گروگان گیری، آدم ربایی و قتل جهت گسترش وحشت ادامه میدهد.

125

سی دی های ویدیویی اخیراً عملیات نظامی طالبان را نشان میدهد. یک قسمت از نوار ویدیوی سرنوشت جاسوسی را نشان میدهد و هم چنان ملا داد الله قمندان طالبان 5 فردی که به اتهام جاسوسی به گروگان گرفته شده است سومی برد. گزارش های برخی از نشریات خبری دهد که تعداد 8 فرد که اسیر گرفته شده بود کشته شدند. از قرار معلوم این اشخاص با مسیحیان و شرکت کننده در جنگ صلیبی همکاری داشته اند. این سی دی های ویدیو واضح ساخت که بخشی از کمپاین طالبان برای سرباز گیری و ایجاد رعب و ترس در میان مردم که از جانب خارجی ها مورد حمایت قرار می گیرند به وجود بیاورند.

123. نظر به مشکلات امنیتی اسم اش گرفته نمیشود

124. نشریه پژواک: طالبان افراد قریه ها را به شنیدن موسیقی جزا دادند. 5 دسمبر 2005

125: برای مقاصد گروگان گیری ربودن که بعضی آنها با هدف پرداخت پول و یا تبادل صورت میگیرد.

126. در جریان کنترل طالبان از سال 1996 الی 2001 ملا دادالله ارتباط به شعبه ها بین سال های 1998 الی 2000

آنهايکه با ما نيستند، دشمنان ما محسوب ميگردند.  
خشونت هاي طالبان عليه افراد ملکی

صفحه 32

در 29 اپريل 2006 يك انجنير هندی بنام سوريانارايانا قرارگزارشها توسط شورشيان طالب ر بوده شد و تهديد به قتل شد .

وی که برای شرکت مخابراتی ( ارتباطات از راه دور ) مستقر در بحرين کار می کرد از قرار معلوم حين تلاش بخاطر فرار با فيرگلوله کشته شده است . جسد وی در ولايت زابل کشف شد . قاری يوسف احمدی به نماينده گی طالبان مسئوليت قتل وی را پذيرفت .

در 12 جون 2006 قرارگزارش ها شورشيان طالب جان محمد معاوين قضايی ستره محکمه را در بيرون از خانه اش در ولسوالی قره باغ غزنی بعد از ربودنش به قتل رساند . هم چنان نيروهاي مسلح طالب قرارگزارش ها پسر جوانش را ربودند .

در 11 اگوست 2005 مبارزان طالب در جنوب هلمند قرارگزارش ها دو مرد را که یکی از آنها آفسر پوليس بود ربودند و سر بریدند .

.....

- " شورش طالبان نشانه های توان بالای آنها را نشان می دهد " اکتوبر 2006

<http://ijr.janes.com/public/ijr/index.shtml>

- ساندی تایمز ، " يك قمندان طالب 8 فرد را به اتهام جاسوسی آنها برای انگلستان سر بریدند . 15 اکتوبر 2006 .

<http://www.timesonline.co.uk/article/0,,2089-2404313.html>

- مصاحبه تلفونی سازمان عفو بين الملل با قاری يوسف احمدی در 25 اکتوبر 2006.

- سازمان عفو بين الملل چنین کشتار را در گذشته محکوم کرده است . بعنوان مثال منابع ذیل را ببینید :

" بيانيه عفو عمومی افغانستان : گروپ های مسلح باید به گروگان گیری پایان دهند

AI index:asa 11/016/2004):

<http://www.web.amnesty.org/library/index/engasa110162004?open&of=eng-afg>

بيانيه عفو عمومی ، افغانستان : سازمان عفو بين الملل سر بریدن زندانيان طالب را که گزارش شده ، محکوم می کند ، (

( AIindex:ASA 11/011/2004

<http://web.amnesty.org?library/index/ENGASA110112004?open&of=ENG-AFG>

- بعنوان مثال این جا را ببینید : تایمز مالی ، کشتار گروگانها نگرانی هند را نسبت به پاکستان تشدید می کند . 30 اپريل

: 2006

<http://www.ft.com/cms/s/f75f844a-d8715-0000779e2340.html>

- بعنوان نمونه این جا را ببینید : خبرگزاری آنلاین بی بی سی " شهروندان افغان هدف طالبان قرار می گیرد " 15 جون

: 2006

<http://news.bbc.co.uk/2/hi/south-asia/5082042.stm>

عبداللطیف حکیمی سخنگوی طالبان مسئولیت قتل آنها را پذیرفت و گفت " ما آنها را کشتیم ، زیرا آنها جاسوسهای آمریکا بودند" . حکیمی هم چنان خبرداد که در ولایت همسایه زابل دوافغان نیز به ظن جاسوسی سربریده شدند<sup>132</sup> .

در تاریخ 31 اگست 2006 طالبان قرار گزارش مردی را بنام فخرالدین در منطقه گرشک ولایت هلمند سربریدند . وی از قرار معلوم سه روز پیش تر توسط شورشیان ربوده شده بود . جسد وی در همان منطقه در کنار رودخانه ای که پرت شده بود یافت شد . بنابر گزارش آژانس خبرگزاری افغانی پژواک یک سخنگوی طالبان ملامحمد عثمانی گفت که فخرالدین توسط طالبان بخاطر جاسوس اش برای آمریکا سربریده شده است<sup>133</sup> .

در 19 دسامبر 2006 ، 26 مرد افغان توسط طالبان در منطقه پنج وایی کشته شد و اجساد سربریده آنها در اطراف قریه به نمایش گذاشته شد . نامه های را روی این اجساد چسپانده بودند که در آن آمده بود : هر کسی که با نیروهای خارجی کمک و مصروف همکاریهای انسانی باشد بدار آویخته خواهد شد<sup>134</sup> .

محاكم طالبان خلاهای امنیتی را پر می کند

شکست تامین امنیت موجب نفوذ طالبان در مناطق دوردست و دهات افغانستان شده است . چنانچه آنها می تواند نقش مردم گرایانه باارایه کارهای حفاظتی از مردم انجام دهد و در برخی قضایا برای مناطق دوردست خدمات و کارهای قضایی عدلی انجام می دهند . انجام اخاذی برخی از پولیس افغانستان اولین درگیری است که بعضی از نواحی با حکومت دارد ، مزید بر آن این امر به تحلیل رفتن مشروعیت حکومت در نگاه مردم محسوب می شود .

منبع : اخبار خارجی جانز " ربودن دل و دماغ اهالی جنوب افغانستان " 16 اکتوبر 2006 :

<http://frp.janes.com/public/frp/index.shtml>

سازمان عفو بین الملل گزارشی را دریافت کرده است که در مناطق تحت تصرف طالبان در افغانستان ، آنها به استخدام هیئت های قاضیان با مسئولیت توزیع عدالت ( قاضیانی که در امر اجرای قضاوت ، عدالت را در نظر می گیرند ) می پردازند . برخی نواحی دل شکسته از دستگاه رسمی دولتی به محاکم طالبان برمی گردند که آنها را منصفانه تر و یا کم تر آلوده به فساد می دانند .

.....  
AFP طالبان افغان چهارمظنون به جاسوسی را سربریده است . 12 اگست 2005 132

خبرگزاری افغانی پژواک : " مردی به اتهام جاسوسی سربریده شد " 31 اگست 2006 133

<http://www.pajhwak.com/viewstory.asp?ing=eng&id=23702>

آنهايکه با ما نيستند، دشمنان ما محسوب ميگردند.  
خشونت هاي طالبان عليه افراد ملکی

خدمات خبرگزاری کنویست : طالبان 26 مرد را اعدام کرد 19 دسامبر 2006

<http://www.canada.com/topics.news/story.html?id=368d29bb-a785-785-4669-9c7e-700155144307>

گزارش بعدی ادعا داشت که شمار اعدام شده گان در این واقعه میان 3- 10 نفر بودند .

صفحه 34

اگرچه معلومات مرتبط به مسئولیت های علیه افراد محدود است ، اکثر مردم که قبل ازین محاکم آمده است به جاسوسی متهم شده است و دیگران هم به قتل و فساد اخلاقی متهم شده است . آنهايکه که قبل از چنین مجموعه یا گروهی آمده اند توسط طالبان ربوده شده اند . در اکثر قضایا حکم جزای مرگ صادر و اجرا شده است . جزییات کمی درباره نوع و خصلت جلسات محاکم آشکاری شود . مشاور حقوقی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گفت : " طالبان تلاش می کنند تا پروسه را بزودی اجرا کنند بی اینکه وقتی برای طرز العمل قضایی مانند دسترسی به وکیل مدافع بگذارد . در قضایای متعددی آنها تصمیم به کشتن افراد بدون حضور و تدویر محکمه گرفته اند. آنها مردم را به جاسوسی بخاطر ایجاد فضای رعب و وحشت برای دیگران متهم می کنند <sup>135</sup> .

ماده عمومی 3 کنوانسیون چهارم جینوا " قتل را از هر نوعی که باشد " و " تصویب احکام و اجرای اعدام که بدون اعلان قضاوت و محکمه قبلی توسط محکمه تشکیل شده صورت بگیرد " منع می کند .

در هشتم جون 2006 لندرو دیسپوی ، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور قضات و وکلای دعاوی ، قتل غیرقانونی قاتل ادعا شده یعنی بادشاه خان را درملاً عام در اوایل ماه می 2006 محکوم کرد . اعدام بادشاه خان یک محاکمه را توسط یک محکمه محلی طالبان در قریه غوغور منطقه گیزاب ولایت دایکندی تعقیب کرد . لندرو گفت که اجراءات قضایی واضحا وظیفه متعلق به دولت افغانستان است . دیسپوی توضیح داد " برای سازمان بدون هویت دولتی مانند طالبان این امر کاملاً غیر قابل قبول است که با محاکمه و تنبیه افراد مظنون به جرم ، وظیفه دولت را انجام می دهد . " قضایای زیرکاربر غیر رسمی هنیات قضائی طالبان را نشان میدهد که بطور خلاصه منتج به کشتن شده است .

● در 19 جون 2005 بعداز فتوای شرعی ملاها ، شورشیان طالب قرار گزارش قمندان پولیس محلی بنام نعنایی خان و هفت فرد دیگر غیر از 31 نفر پولیس که آنها را در قندهار به اسارت نگهداشته بودند اعدام کردند . عبداللطیف حکیمی ، سخنگوی طالبان مسئولیت قتل آنها را پذیرفت و گفت که افراد بعداز دستور رهبران مذهبی در جریان محاکمه کشته شدند .

● در 2 سپتامبر 2005 خان محمد یعقوبی کاندیدای ولسی جرگه زمانیکه موتر حامل وی توسط مردان مسلح کمین شد ، همراه با چهار فرد دیگر در منطقه غورک ولایت قندهار ربوده شد .

.....

آنهايکه با ما نيستند، ويمنان ما محسوب ميگردند.  
خشونت های طالبان عليه افراد ملکی

134 مصاحبه سازمان عفو بين الملل با يکتن از مشاورين حقوقی کمیسیون حقوق بشر افغانستان در 5 مارچ 2007 که اسمش بدلايل امنیتی ذکر نگريده است .

135 نشریه خیری UNCHR : گزارشگر ویژه سازمان ملل در حوزه استقلال قضات اعدام آشکارا شخص که محاکمه غير قانونی خود را در افغانستان سپری می کنند ، محکوم کردند. 8 جون 2006  
[WWW.unhchr.ch/hurricane.nsf/view01/5d75cf314f0c8aa7c1257187002f10cd?opendocument](http://WWW.unhchr.ch/hurricane.nsf/view01/5d75cf314f0c8aa7c1257187002f10cd?opendocument)

136 بعنوان مثال ، نمونه زیر را ببینید : خبرگزاری آنلاین بی بی سی " جنگجویان طالب اسیران را می کشند " 19 جون 2005

[www.news.bbc.co.uk/2/hi/south\\_asia/4108108.stm](http://www.news.bbc.co.uk/2/hi/south_asia/4108108.stm)

- خبرگزاری رویتر : طالبان می گویند قومندان پولیس در میان 31 فرد دیگر گرفتار شد " 19 جون 2005 .

صفحه 35

تن آنها سربریده شده وبا گلوله سوراخ سوراخ شده در 9 سپتامبر کشف شد . عبداللطیف حکیمی قرارگزارش به آژانس خبری اسلامی تلفن کرد ومسئولیت عمل طالبان را پذیرفت ، وی گفت که 5 فرد آنها با فیر دسته ای به تعقیب محکمه طالبان کشته شدند 138.

• در سوم سپتامبر 2005 ، جسد دويد ادیسن انجنیرانگلیسی در ولایت فراه یافت شد . وی سه روز قبل توسط شورشیان طالبان ربوده شده بود . عبداللطیف حکیمی سخنگوی طالبان طی گزارشی به آژانس خبرگزاری اسلامی افغان گفت که ، عقیده بر این بود که ادیسن یک فرد نظامی رسمی بوده که همراه با 5 گروهان دیگر به تعقیب دستور هئیت طالبان ، کشته شده است 139 .

• در 12 مارچ 2006 ، قرارگزارش شورشیان طالبان ، سه فرد آلبانی - مقدونی تبار ، وکارمند جرمنی شرکت ایکولوک را همراه با 4 همراه افغان شان ربودند. قاری یوسف احمدی سخنگوی طالبان به خبرگزار پژواک تلفن زد وادعا کرد ، بعدازاینکه هئیت مرکزی طالبان کارگران خارجی را بخاطر جاسوسی برای نیروهای امریکایی مقصر شناخت ، آنها را کشتند 140 .

• در 13 جولای 2006 قرار گزارش زهرا مددی در جنوب ولایت غزنی توسط طالبان کشته شد . زهرا 23 ساله بود که نیمه وقت مهاجرین وبخش امور عودت مهاجرین کار می کردند . شورشیان طالبان قرار گزارش وی را به ظن ارتباط به فحشا وفساداخلاقی ربودند وبعد از نگهداشتن دو روز در اسارت ، وی به قتل رساندند . قرار گزارش ملا حلال سخنگوی طالبان ادعا کرد که بعداز تشخیص فساد اخلاقی وی توسط محکمه طالبان ، وی به قتل رسید 141 .

• در 26 نوامبر 2006 ، 4 کارگر افغان قرار گزارش توسط طالبان در منطقه منوگی ولایت کنر ، یک روز بعداز ربودن شان بقتل رسیدند .

138 بعنوان نمونه ببینید: رسیدگی مشترک حقوق سیاسی ، گزارش سوم انتخابات ولسی جرگه وشوراهای ولایتی . 17 سپتامبر و 13 اگست 2005 .

[www.unama-afg.org/docs/\\_nonUN%20Docs/-Electora%20Docs/political](http://www.unama-afg.org/docs/_nonUN%20Docs/-Electora%20Docs/political)

آژانس خبرگزاری افغان ، جسد اختطاف شده ای یک مقام افغان و 4 فرد همراهی وی در قندهار کشف شد هشتم سپتامبر 2005

آنهايکه با ما نيستند، 4 ژنمنان ما محسوب ميگردند.  
خشونت های طالبان عليه افراد ملکی

139 خبرگزاری آنلاین بی بی سی " جسد تبعه فرد بریتانیایی مقیم افغانستان یافت شد " 3 سپتامبر 2005  
[www.news.bbc.co.uk/1/hi/world/sough\\_asia/4211414.stm](http://www.news.bbc.co.uk/1/hi/world/sough_asia/4211414.stm)

140 بعنوان مثال مطلب زیر را ببینید :  
رادیوی اروپای ازاد " جسد فرد خارجی اختطاف شده در جنوب افغانستان یافت شد گ 16 مارچ 2006 .

[www.rferl.org/featuresarticle/2006/03/68BE6182-40DC-405F-B1F7-BBE2C6F62F29.html](http://www.rferl.org/featuresarticle/2006/03/68BE6182-40DC-405F-B1F7-BBE2C6F62F29.html)

- آژانس خبرگزاری پژواک : جسد خارجی اختطاف شده در قندهار یافت شده است . 16 مارچ 2006  
[www.pajhwak.com/viewstory.asp?lng=eng&id=1518](http://www.pajhwak.com/viewstory.asp?lng=eng&id=1518)

141 خبرگزاری پژواک - طالبان دختری را به جرم فحشا کشتند . 13 جولای 2005  
[www.pajhwak.com/viewstory.alp?lng=eng&id=21266](http://www.pajhwak.com/viewstory.alp?lng=eng&id=21266)

صفحه 36

محمد حنیف سخنگوی طالبان تایید کرد که چهار فرد بعد از اینکه هئیت اسلامی طالبان آنها را بخاطر جاسوسی برای نیروهای امریکایی مقصر شناخت ، به قتل رسید 142.

صفحه 36

#### 6- قانونی قابل اجراء بین المللی

قانون انسان دوستانه بین المللی مرکب از اصول وقواعد است که سازماندهی بحران جنگی و مسلحانه ای تمام احزاب را در سطح بین المللی و غیر بین المللی مدیریت می کند . تائیدات کلیدی قانون انسان دوستانه بین المللی مدرن بعد از جنگ جهانی دوم توسط جامعه جهانی در کنوانسیون 1949 جنیوا و در پروتوکول الحاقی بعدی به کنوانسیون مزبور مرتب و تنظیم شد 143.

اکثر پیش بینی های قانون انسان دوستانه بین المللی ، قواعد متداول حقوق بین المللی شده است ، عبارات دیگر قواعد منشعب از عمل و اندیشه ای مداوم توسط دولت ها که این اندیشه و عمل توسط این قواعد مستلزم همدیگر و یا بهم پیوسته شده است . قواعد حتمی اساسا ساخته شده برای بحران های مسلحانه ، حال برای متعهد ساختن احزاب درگیر بحران های تسلیحاتی غیر بین المللی نیز درک می گردد .

بحران کنونی در افغانستان یک بحران مسلحانه و جنگی غیر بین المللی است - که نیروهای خارجی در آن درگیر است و همگام با دولت می جنگد نه اینکه بجای آن برضد دولت بجنگد . تمام احزاب درگیر در بحران نظامی غیر بین المللی ملزم می شوند تا حد اوسط ماده متداول سوم کنوانسیون مرتبط به کنوانسیون چهارم جنیوا را که تمام افراد را از سهم گرفتن فعال در دشمنی حراست می کند مورد استفاده قرار دهند . این ماده انعکاس دهنده ای اصول وقواعد متعارف قانون بین المللی مطروحه در فوق است که طالبان و هم چنان نیروهای خارجی و اردوی ملی افغانستان رابه آن متعهد و ملزم می کند .

#### اصل تمایز

اصول بنیادین قانون انسان دوستانه بین المللی اینست که احزاب درگیر بحران مسلحانه و جنگ در تمام اوقات باید میان مخالفن - رقیبان و افراد ملکی و اهداف ملکی و نظامی تفاوت قابل شوند 144 . عملیات صرفاً باید مقاصد رقیب و نظامی را هدف قرار دهد . این امر هرگز اجازه داده نخواهد شد که مقاصد ملکی و شهروندان هدف حملات قرار بگیرد .

142 - خبرگزاری افغانی پژواک " طالبان گروگانی را به اتهام جاسوسی برای امریکا به قتل رساندند " 26 نوامبر 2006  
[www.pajhwak.com/viewstory.asp?lng=eng&id=27994](http://www.pajhwak.com/viewstory.asp?lng=eng&id=27994)

آنهاییکه با ما نیستند، دشمنان ما محسوب میگردند.

خشونت های طالبان علیه افراد ملکی

143 کنوانسیون جینوا 1 برای بهبود وضعیت مجروحین و مریضانی قوای مسلح در میدان جنگ ، کنوانسیون جینوا 2 برای بهبود وضعیت نیروهای مجروح و مریض و اعضای نیروهای شکست خورده و در حال غرق شدن ، کنوانسیون 3 مرتبط به مداوان زندانیان جنگ ، کنوانسیون 4 مرتبط به حفاظت زندانیان ملکی در هنگام جنگ ، 1977 ، پروتول الحاقی 1 کنوانسیون جینوا بتاريخ 12 اگست 1949 و مرتبط به حفاظت قربانیان قوای درگیر در جنگ های بین المللی . 1977 پروتول الحاقی 2 کنوانسیون جینوا تاريخ 12 اگست 1949 و مرتبط به حمایت قربانیان جنگ نیروهای درگیر جنگ های غیر بین المللی.

144 اهداف نظامی در پروتوکول الحاقی 1 ماده 52(2) تعریف می شود ، زمانیکه در بردارنده اهداف " که توسط ویژه گیها ، موقعیت و اهدافش و کمک موثر برای عملیات نظامی که خرابی تمام عیار و یا قسماً اندک ، اسیر گرفتن و خنثی سازی در شرایط حکم در آن زمانی که سود نظامی تعریف شده را ارایه می کند " .

صفحه 37

این اصل معروف به اصل تمایز ، در پروتوکول الحاقی کنوانسیون جینوا 1 کدبندی می شود و یک اصل در قانون متعارف بین المللی و الزام آور بر تمام گروپ های درگیر بحران چه بین المللی و یا غیر بین المللی است 146.

مطابق قانون انسان دوستانه بین المللی ، فرد ملکی کسی است که متعلق یا عضوی از نیروهی مسلح نباشد 147 . اعضای نیروهای مسلح تمام قوای سازمان یافته مسلح ، گروپ و بخشی که تحت فرمان قومندان مسئول حزب درگیر است که مشمول ملیشیاها و دسته های داوطلب که بخش ازین نیروها را می سازد می شود 148 . با توجه به درگیری مسلحانه غیر بین المللی ، اصل سوم عمومی کنوانسیون چهارم که اشخاص را از سهم فعال در دشمنی و درگیری باز می دارد نیز شامل اصل تمایز قابل درک است 149 .

### اصل تناسب

حملات علیرغم اینکه مقاصد نظامی را هدف قرار می دهد ، ممکن خطرات بیش از حد بزرگی را متوجه افراد ملکی و اهداف ملکی نماید که این امر نیز به اساس قانون انسان دوستانه بین المللی منع می شود . تعریف حملات نا مشخص پروتوکول الحاقی موضوعات ذیل را در بر می گیرد "

" حمله ای که انتظار می رود موجب واقعه ای از دست رفتن حیات ، زخمی شدن افراد ملکی و صدمه رساندن به اهداف ملکی شود و یا یک ترکیب متعلق که به منفعت نظامی واقعی و پیش بینی شده بیش از معمول رابطه خواهد داشت " 150 .

زمانیکه هیچ آمادگی لازم برای تناسب روشن قابل اجرای جنگ مسلحانه غیر بین المللی وجود ندارد ، این الزام یک اصل لاینفک انسانی که در این بحران قابل اجرا است 151 .

### معالجه افراد

ماده عمومی سوم حمایت و حراست را برای ماده که ( خواهد آمد ) گسترش می دهد " اشخاص نباید در سهم فعال در دشمنی ها بگردد که شامل اعضای قوای مسلح که اسلحه شانرا بزمین گذاشته ( انبار کرده اند ) و جاهاییکه مریض ها ، زخمی ها و بازداشت شده ها و عاملین دیگر در آن قرار دارد . " این ماده موجبات را فراهم می کند که " در تمام شرایط " چنین افراد " از روی انسان دوستی مداوا خواهد شد " بدون هیچ تفاوت خصمانه در نژاد ، رنگ ، مذهب ، عقیده ، جنس ، اصل و نسب ، ثروت و معیارهای مشابه دیگری " این ماده برخی از اعمال را علیه این افراد منع می کند " در هر زمان و هر مکان به هیچ نحوی " که شامل 1 شامل حیات و افراد ....."

آنهايکه با ما نيستند، دشمنان ما محسوب ميگردند.  
خشونت های طالبان عليه افراد ملکی

- 145 " قانون متعارف انسان دوستانه بين المللی " جلد اول ، مولفان : جان ماری هنکرتس ولونیس دوس والدبیک )  
انتشارات دانشگاه کمبریج ، کمیته بین المللی صلیب سرخ ( 2005 )  
146 - ماده مقررہ روم 8 ( 2 ) ( e )  
147 نگاه کنید به رای جان ماری و لوییس داسوالد - صفحه 17  
148- پروتوکول الحاقی 1 ماده 43  
149 نگاه کنید به رای جان ماری و لوییس داسوالد - صفحات 5-6  
150 - پروتوکول الحاقی 1 ماده 51 ( 5 ) b  
151 نگاه کنید به جان ماری و لوییس داسوالد صفحات 48-49

صفحه 38

اقسام مختلف کشتار، نقص عضو، تهدید و شکنجه ظالمانه.

ب: گروگان گیری

ج: تجاوز به حریم شخصی، به ویژه به شکل تحقیر آمیز. و بلاخره به اجراد آوردن حکم اعدام بدون حکم قبلی محکمه باصلاحیت وقانونی.  
ماده عمومی 3 که احزاب شامل دولت وگروپ های مسلح هر دو را شامل میشود. تبعیت از ماده فوق نه به اساس تبرئه احزاب که دست به عکس العمل زده اند و ناخواسته وارد نبرد شده اند، بلکه طبق این ماده آنها نمیتوانند خشونت را تحت نام دفاع از خود توجیه نماید." 152

6.1. قانون بین المللی جنایی ومسئولیت گروپ های مسلح در قبال آن:

طبق قانون عفو بین الملل، اکثر اعمال که طالبان مرتکب شده اند تحت نام جنایات سازمان یافته جنگی و جنایت علیه بشریت طبقه بندی شده میتواند. جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت از جمله جنایات جدی در حقوق بین الملل است و در کل بعنوان تخلف در مقابل بشریت پنداشته میشود. بنابراین به محکمه کشاندن عاملین این جنایات و جرایم جدی دیگر از ملاحظات ومسئولیت های تمامی جامعه بین الملل است. این نظر در مقدمه اساسنامه محکمه بین المللی جنایی روم تصریح شده که در جولای 1998 به تصویب رسیده است و در آن تاکید شده است که " جرایم جدی مورد توجه جامعه بین الملل بصورت کلی نباید بدون مجازات بماند و با توجه به قوانین ملی کشورها و همکاری بیشتر جامعه جهانی پیگرد آن تضمین گردد.

اساسنامه روم به صلاحیت محکمه جنایی بین المللی ترتیب شده و روی اعمال خلاف قانون که در زود خورد مسلحانه ( جرایم جنگی) و همانطور جرایم مشابه که در حالت های دیگر (قتل عام و جنایت علیه بشریت) بوقوع می پیوندد صلاحیت اجرایی دارد. اساسنامه روم بازتاب دهنده قاعده عرفی حقوق بین الملل در مورد جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت است. همانطوریکه ذکر شد حقوق عرفی بین الملل بالای تمام احزاب افغانی بشمول گروپهای مسلح نافذ است.

جرایم جنگی:

طبق قانون عرفی بین المللی بشری طوریکه در ماده 8 اساسنامه روم انعکاس یافته است جنایات جنگی به آندسته از جرایم اتلاق میشود که در جریان جنگ های بین المللی و داخلی بین گروپهای مسلح اتفاق می افتد. 154  
این جرایم شامل اعمال نظیر قتل عمد، شکنجه و یا تهدید های غیر انسانی، گروگان گرفتن، حمله مستقیم به جمعیت غیر نظامی، حمله مستقیم به حافظان صلح و یا کارمندان امدادی، حملات تعصب آمیز که تخلف از اساسات قانون بین المللی بشردوستانه میشود و شامل فرق قایل شدن بین غیر نظامیان و اعمال آنها و از طرف دیگر تفاوت قایل شدن بین نظامیان و اعمال آنها و دیگران، کشتن کسانی که تسلیم شده اند، حمله به تاسیسات مذهبی و بلاخره کشتن و زخمی نمودن خاننانه جنگجوی رقیب " 155. بعنوان مثال نزدیک شدن به عساکر دشمن و کشتن آنها طوریکه وانمود نماید که یک غیر نظامی است.

آنطوریکه گزارش شده اکثر اعمالی که طالبان و دیگر گروپهای مسلح در جنگهای داخلی افغانستان مرتکب شده اند تحت جرایم جنگی طبقه بندی میشود.

مبداء فرمان ومسئولیت این جرایم متوجه فرماندهان عالی رتبه و رهبران گروپهای مسلح که افراد رده پایین به کنترل موثر آنها جرایم را مرتکب شده اند، میباشد.

آنهایکه با ما نیستند، دشمنان ما محسوب میگردند.

#### خشونت های طالبان علیه افراد ملکی

152 عفو بین الملل مخالف اعدام مجرمین توسط حکومت ها و گروه های مسلح است که تحت هیچ شرایطی این اعمال را نمی پذیرد.

153 اساسنامه روم دادگاه بین المللی جنایی در 17 جولای سال 1998 مورد قبول کشورهای عضو واقع شد و در جولای سال 2002 ضمانت اجرایی پیدا نمود.

154 حقوق عرفی بین المللی بشردوستانه در ماده 8 اساسنامه روم دادگای بین المللی جنایی بشکل گسترده انعکاس یافته است (اساسنامه روم). برای معلومات بیشتر به Jean-Marie Henckaerts و Louise Doswald-Beck رجوع شود.

صفحه 39

جنایت علیه بشریت:

طبق قانون عرفی بین المللی، آنطوریکه در بند 7 اساسنامه روم بازتاب یافته است، جرایم علیه بشریت به آن دسته از جرایم اطلاق میشود که " بشکل سیستماتیک و گسترده بالای شهروندان غیر نظامی حمله صورت بگیرد." به کمک دولت ویا پالیسی سازمانی برای ارتکاب این چنین حملات. " 157 از جمله مواد است شده وابسته به اساسنامه قتل، زندانی کردن غیرقانونی، شکنجه و دگر اعمال ضد بشری. 158 و یارفتار و اعمالیکه جرایم ضد بشری را شکل دهد ممکن در زمره اعمال ضد بشری محسوب میشود اگر شرایط تعریف شده اساسنامه را پوره کند.

باکمی ملاحظه جرایمی مانند جنایات جنگی، نسل کشی، جرایمی ضد بشری و دگر جرایم شامل در قانون بین المللی. سوال اینکه آیا مرتکب شونده متعلق به اردوی یک کشور، یک گروه مسلح، ویا وابسته به قطعات کوچک دگر باشد مطرح نیست. هر که باشد مسئول جرایم انجام شده است و باید به میز محاکمه کشانیده شود.

اکثر کشتار عمدی طالبان و دگر رفتار سوانهاکه در این گزارش توضیح داده شده مصداق جرایم ضد بشری دارد. و نیز جرایم جنگی شمرده میشود. به ویژه کشتار، زندانی کردن غیرقانونی و دگر ممنوعیتهای سختگیرانه آزاری فزینی سرپیچی از اساسات قانون بین الملل و مجازات ها که توسط طالبان در افغانستان صورت گرفته است. این اعمال قسمتی از تجاوز به غیر نظامیان و مردم عادی شمرده میشود که بشکل سیستماتیک و گسترده صورت گرفته است. هدف قراردادن معلمین و هم چنان کارمندان غیر نظامی دولت که طالبان آنان را در صاف حامیان دولت، خارجیها و کارمندان موسسات بین المللی بشمار می آورند. مانند سوختاندن مکاتب این جنایات به مصابه جنایت علیه بشریت پنداشته میشود.

دولت افغانستان جامعه جهانی باید این اطمینان را بدهد که تمامی آنهایکه متهم به جنایات جنگی و جنایات ضد بشری هستند از آنها تحقیق صورت گرفته و در جایی که شواهد کافی برای آنچه انجام داده اند وجود دارد، در یک محکمه عادلانه بدون در نظر گرفتن حکم اعدام محاکمه شود. در قانون بین الملل هیچ عذر برای اعمالیکه بصورت واضح جنایت پنداشته میشود وجود ندارد. قطع نظر از اینکه علت درگیری چه بوده و در چه جایی واقع شده که احزاب متخاصم از درگیری بودن خود ابر نه نمایند.

155 ماده 8 (2)(e)(ix) اساسنامه روم دادگای بین المللی جنایی.

156 برای مثال رجوع شود به پیگرد قانونی نوشته v Aleksovski جلد شماره 1، IT-19-14/1 میز محاکمه ICTY

157 ماده 7(1)، (2). ماده 7 (2) اساسنامه روم چنین تعریف شده " هدف حملات قرار دادن مردم ملکی " مثل اینکه " یک سلسله رفتارها و اعمالیکه در مقابل هر جمعیت ملکی آنطوریکه در پاراگراف یک ذکر شده از طرف دولت و یا طبق پالیسی ارگانی که این نوع حملات را صورت داده است.

158 اساسنامه روم ماده 7(1)

آنهایکه با ما نیستند، دشمنان ما محسوب میگردند.  
خشونت های طالبان علیه افراد ملکی

## 7. پیشنهادات:

عفو بین الملل به تمام احزاب درگیر در جنگ تاکید دارد که کسانی که در برخورد مسلحانه سهم فعالانه نداشته اند، بدون استثنا همیشه با آنها برخورد انسانی توأم با احترام، مطابق مواد کنوانسیون جنوا و طبق موازین پذیرفته شده بین المللی حقوق بشر صورت گیرد.

### به طالبان و دیگر گروه های مسلح:

#### عفو بین الملل از طالبان و دیگر گروه های مسلح خواهان توقف فوری موارد ذیل است:

- حمله به مراکز غیر نظامی و منافع آنها، حملات که در آنها تلاش برای تفکیک مراکز نظامی و غیر نظامی و منافع آنها صورت نگیرد.
- به ویژه حمله به معلمان، شاگردان، کارمندان معارف و ساختمان مکاتب، تمامی حملات بر اعضای محلی و بین المللی سازمانهای بشردوستانه و شعبات آنها و ممانعت نکردن از دسترسی از آمو محفوظ سازمانهای بشردوستانه از تمام نقاط جنگی.
- در صورت قرار داشتن مراکز نظامی در ساحات غیر نظامی، تمامی تدابیر لازم برای حفظ امنیت غیر نظامیان و به حداقل رساندن آسیب های ناشی از عملیات نظامی اتخاذ گردد.
- کشتن غیر نظامیان در نتیجه پروسیجر شبه قضایی؛ و بکار بستن روش های این چنینی.
- تمامی آدم ربایی ها و گروگان گیریها
- تمامی شکنجه و سوزفتار
- آزار، تهدید به مرگ و یا آدم ربایی شهروندان

#### عفو بین الملل از گروه های مسلح در افغانستان خواهان:

- محکومیت آشکار اقسام حمله بر شهروندان عادی، حملات نامتوازن و تعصب آمیز، آدم ربایی، گروگان گیری، کشتار عمد، شکنجه و سوزفتار و اکیدا خواستار خودداری از اعمال فوق در تمام شرایط است.
- دادن دستور واضح و روشن رهبران بلندرتبه این گروه ها به تمامی پیکارجویان مربوط برای رعایت مواد قابل اجرا حقوق بین المللی بشردوستانه.
- برکنار نمودن افرادی که متهم با سواستفاده از مقام و وضعیت، که امکان ادامه ارتکاب سواستفاده از آن می رود.

#### به دولت افغانستان و نیروهای خارجی مستقر در آن کشور:

- عفو بین الملل از دولت افغانستان، قوت های ایساف و نیروهای امریکایی و نیروهای عملیاتی مستقل ایساف می خواهد تا:
- تمامی موارد ذکر شده در قوانین بین المللی بشردوستانه و قانون بین المللی حقوق بشری را در عملیاتی های شان در مقابل طالب ها و سایر قوت های مسلح رعایت نمایند. به تمامی پرسونل هدایت واضح داده شود که تخطی از قوانین بین المللی قابل اهمال و چشم پوشی نیست.
  - توقف تمامی تخطی های که از قوانین بین المللی و مسئولیت های آن، و آن عده فرماندهان که فرمان تخطی را داده و یا در جلوگیری از تخطی ناکام بوده اند، باید به میز محاکمه کشانده شده تا موازین عدالت بین المللی رعایت شود.

### به دولت افغانستان :

عفو بین الملل از دولت افغانستان اکیدا خواهان:

- حصول اطمینان از به محاکمه کشانیدن مرتکبین جنایت حقوق بشری، جرایم جنگی، و جنایت ضدبشری تحت ضرورت های حقوق بین الملل است. حقوق بین الملل معافیت و یا جنایت بمتل را بشمول جنایت جنگی و جرایم علیه بشریت طبق قانون فوق ممنوع قرار داده است. متل اندازه گیری خودداری غیر منتظره از حقیقت، تشخیص نهایی قضایی مقصر و بی گناه، و پرداخت کامل غرامت به قربانیان.
- اطمینان حاصل نمودن از تهیه اشکال دگر از جبران خسارت بشمول غرامت دولت باید تمامی راه های تهیه جبران خسارت را بشمول کمیسیون حقیقت یاب و میکانیزم های مشابه آن را بررسی نماید.
- بوجود آوردن هر تلاشی برای ثبت تمامی وقایع و علل غیر نظامی در برخورد های نظامی جاری در افغانستان.

## به دولت پاکستان:

عفو بين الملل از دولت پاکستان ميخواهد:

- محكوم نمودن صريح تمامی سورتار طالبان و ديگر گروههای مسلح و استفاده از نفوذ خود و پافشاری نمودن بر ترک عملیات تخریبی.
- جلوگیری از تهیه کمکهای نظامی و سایر کمکها به طالبان و سایر قوت های مسلح ضد دولتی در افغانستان در ساحات تحت حاکمیت خود، که ميتواند در فعاليت های تخریبی کمک نماید.
- آوردن عدالت مطابق معيارهای بين المللی برای یک محکمه عادلانه، هر کسی که متهم به سورتار در مقابل غير نظاميان است و ممکن در قلمرو پاکستان باشد؛ پاکستان در همکاری با مسئولین افغان در جهت تلاش برای کساندن مجرمين به ميز محاکمه تلاش لازم را بخرج دهد.

## به علمای مذهبی و رهبران جامعه در افغانستان و خارج، و رهبران پراکنده جامعه:

عفو بين الملل از رهبران مذهبی جامعه و سایر رهبران بانفوذ تقاضای جدی دارد تا:

- از نفوذ توأم با احترام خود از طالبان و ديگر قوتهای مسلح و نیز حمايت کننده های آنها استفاده نماید تا دست از اعمال تخریبی، شامل هدف قرار دادن غير نظاميان و ديگر بیگناهان، رفتار تعصب آمیز و حملات نامتوازن، گروگان گیری، قتل عمد، شکنجه و سایر بد رفتاری ها دست بردارند.
- تفييح صريح تمامی حملات طالبان و سایر گروههای مسلح بر شهروندان عادی و اهداف غير نظامی در جایی که ممکن باشد؛ به ویژه حمله به اهداف محلی و بين المللی نمايندگیهای سازمانهای بشر دوستانه؛ معلمين، شاگردان مکاتب، کارمندان معارف و ساختمانهای مکاتب و زنان گروههای مشوق حقوق زنان.

## ضمیمه 1. ماده عمومی 3 کنواسیون 4 جنوا-1949 بر خوردها مشخصات بين المللی ندارد.

در صورت زدوخورد مسلحانه یک مشخصه بين المللی در قلمرو دول بلندی پایه عضو به ظهور نمیرسد. هر کدام از دول عضو درگیر در جنگ ملتزم به رعایت حداقل موارد آتی است:

- (1) با اشخاصیکه در جنگ سهم مستقیم نداشته است بشمول اعضای نیروهای مسلح که سلاح شانرا بزمین گذاشته اند و آنهايکه بوسیله مریضی، زخمی شدن، توقیف و یا بهر دلیل ديگر از میدان رزم خارج شده اند. تحت هر شرایطی با آنها بشکل انسانی بدون در نظر داشت تعلقات نژادی، رنگ پوست، مذهب و عقیده، جنس، ثروت و سایر مشخصات مشابه آن برخورد شود.
- (الف) تهديد زندگی اشخاص، به ویژه اقسام مختلف قتل، نقص عضو، تهديد شديد و شکنجه.
- (ب) گروگان گیری
- (ت) هتک حرمت به اشخاص، مخصوصا توهين و تحقیر آنان.
- (ث) جاری نمودن حکم اعدام بدون قضاوت یک محکمه با صلاحیت قانونی. که امنیت کامل عدلی شهروندان عادی را تضمین نماید.
- (2) زخمی و مریض باید جمع آوری شده و به نیاز طبی آنها پاسخ گفته شود.
- یک نهاد بیطرف بين المللی مانند کمیته بين المللی صلیب سرخ باید اجازه فعالیت و ارائه خدمات را در کشور جنگزده داشته باشد.
- کشورهای درگیر جنگ برای دست یابی به موافقتنامه های بخصوص همه و یا قسمتی از بندهای کنواسیون حاضر تلاش بخرج دهند.
- تقاضا برای اجرای همه مواد کنواسیون ذکر شده فوق روی سیستم قضایی کشورهای درگیر جنگ نافذ نخواهد بود.

## ضمیمه 2: لایحه، کتاب قانون نظامی طالبان:

هر مجاهد از قوانین ذیل پیروی نماید:

- (1) هر فرمانده طالب اجازه دارد تا دعوت اسلامی را در سرتاسر کشور توسعه دهد تا بدینوسیله مردم به اسلام راستین برگردند.
- (2) ما امنیت جانی و مالی کسانی را که به کفر پشت می کند، تامین میکنیم ولی اگر شامل یک در دسر برضد طالبان باشد و یا کسی اورا متهم به چیزی نماید در آن صورت باید مطابق قوانین ما محکمه شود.
- (3) هر مجاهدیکه تازه به صفوف ما می پیوندد مقید به اطاعت از فرمانده خود است.
- (4) هر کسی که از طالبان رومیگرداند، صادقانه رفتار ننموده و به ما خیانت میکند از حمايت مامحروم میشود و شانس دوباره برای او وجود ندارد.
- (5) مجاهدیکه عضو جدید طالب را بکشدا از حمايت مامحروم میشود و باید طبق قانون اسلامی مجازات شود.
- (6) اگر طالب بخواهد از یک ناحیه به ناحیه ديگر مسافرت کند، به او اجازه داده خواهد شد ولی باید از فرمانده خود اجازه بگیرد.
- (7) هر مجاهدیکه یک خائن را طبق رضایت سرگروپ خود دستگیر نماید ميتواند اورا به زندان ديگر انتقال نماید و یا در بدل پول آنرا معاوضه نماید.

## آنهايکه با ما نيستند، @ممنان ما محسوب ميگردند. خشونت های طالبان عليه افراد ملکی

صفحه 42

- 8) یک فرمانده ولایتی، ولسوالی و یا منطوقی اجازه ندارد هیچ قراردادکاری را با موسسات غیردولتی امضا نماید و یا از آنها پول بپذیرد. شورای رهبری (عالیترین ارگان تصمیمگیری) امور مربوط به این موسسات را بعهده دارد.
- 9) یک طالب نمیتواند لوازم جهاد را به منظور اهداف شخصی استفاده نماید.
- 10) هر طالب نسبت به مصارف پولی خود و لوازم خود در مقابل مافوق خود پاسخگو است.
- 11) مجاهدین نمیتوانند لوازم خود را بفروش برسانند مگر به اجازه فرمانده ولایتی خود.
- 12) یک گروه از مجاهدین نمیتواند گروه دیگری از مجاهدین را بغرض قدرتمند شدن صفوف شان به خدمت بگیرد. این زمانی اجازه داده خواهد شد که دلیل خوبی برای اجرای آن وجود داشته باشد مانند کمبود رزمندگان در یک گروه مشخص. سپس اجازه کتبی به آنها داده شود و سلاحهای اعضای جدید باید نزد گروه سابق باقی بماند.
- 13) سلاح و اسباب ایکه از خانین و متحدین شان گرفته میشود باید بشکل مساویانه بین مجاهدین تقسیم شود.
- 14) اگر کسی که با خانین کار میکند، بخواند که به مجاهدین بیبوند؛ نباید کشته شود و اگر کشته شود قاتل او باید در یک دادگاه اسلامی محاکمه شود.
- 15) اگر یک مجاهد و یا یک رهبر که بیگناهی را شکنجه نماید توسط مافوق اش هشدار داده شود، اگر در رفتارش کدام تغییر ایجاد نشد باید از جنبش طالبان اخراج گردد.
- 16) تلاشی خانه ها و مصادره نمودن سلاح مردم بدون اجازه قومندان ولسوالی و یا ولایت اکیدا منع است.
- 17) مجاهدین حق ندارند که اموال و ملکیت شخصی مردم را مصادره نماید.
- 18) مجاهدین باید از کشیدن سگرت دوری نمایند.
- 19) مجاهدین نمیتوانند که پسران با موهای دراز را در میدان جنگ و یا در محیط شخصی با خود داشته باشند.
- 20) اگر عضو گروه مخالف و غیر نظامیان بخواهند که با طالبان صادقانه رفتار کنند، شرایط آنها را قبول خواهیم کرد ولی تصمیم نهایی را شورای نظامی باید بگیرد.
- 21) هر کسی که سابقه سوء دارد در دوران جهاد مرتکب قتل شده باشد در صفوف طالبان پذیرفته نخواهد شد.
- 22) اگر مجاهدی جنایتکار شناخته شد و فرمانده اش او را از گروه منع کرد، دیگر گروه هاق ندارد که او را در گروه خود بپذیرد. اگر او خواست ادامه کار با طالبان را داشته باشد، باید از گروه سابق خود درخواست بخشش نماید.
- 23) اگر مجاهد مشکل روبرو شود که راه حل آن در این لایحه پیش بینی نشده است، فرمانده با مشوره گروه خود آنرا حل نماید.
- 24) کار کردن بعنوان معلم در حاکمیت این رژیم اکیدا منع است. زیرا موجب تحکیم پایه های این دولت می شود (دولت ربانی) مسلمان ها باید تعلیمات اسلامی ببینند و در مسجد و جاهای مثل مسجد تعلیم ببینند. کتب درسی باید از دوران مجاهدین و یا از رژیم طالبان باشد.
- 25) هر کسی که بعنوان معلم در این رژیم دست نشانده کار میکند، باید هشدار داده شود. اگر او به هیچ قیمتی حاضر به ترک وظیفه اش نشد، باید مورد لت و کوب قرار گیرد. اگر او هنوز به وظیفه غیر اسلامی اش ادامه داد، قومندان ناحیه و یا رهبر گروه باید او را بکشد.
- 26) آنچه انجوها که به کشور آمده و اهداف خیانتکارانه دارند باید تهدید گردند مثل اینکه دولت تهدید میشود. این انجوها هر چند زیر چتر کمک به مردم آمده اند ولی در حقیقت از همکاران رژیم شمرده میشوند بدین معنی که ماهیچ یک فعالیت های آنها را تحمل نمیکنیم فرقی نمیکند که این فعالیت ساختن سرک، پلها، شفاخانه ها، مکاتب، مدرسه و یا کارهای دیگر باشد. اگر مکتبی هشدار بسته شدن خود را نادیده بگیرد، آن مکتب باید سوزانده شود. ولی تمامی کتابهای مذهبی باید قبل از سوزاندن بیرون کشیده شود.
- 27) تا زمانی که کسی بجرم جاسوسی گرفته نشده و مجازات نشده هیچکس اجازه ندارد این مورد را دنبال نماید، فقط قومندان آن منطقه مسئولیت رسیدگی به آن را بعهده دارد. شاهدان که در مورد شهادت میدهند باید در کمال سلامت جسمانی، مالک خود و از شهرت نیک مذهبی برخوردار باشند. و همچنان جرایم کلان را مرتکب نشده باشند. مجازات بعد از مشوره محکمه صورت خواهد گرفت.
- 28) فرماندهان رده پایین نباید در کار دعای مردم دخالت نمایند. اگر یک دعوای ولسوال و یا قومندان محلی باید در خصوص مداخله نماید. مسئله باید از طریق کارشناسان دینی و یا مشوره ریش سفیدان و بزرگان محل به بررسی گرفته شود و حل گردد.
- 29) هر مجاهد باید روز و شب پیره داری کند.
- 30) بیست و نه فقره بالا مرعی الاجراست. هر کس که از این قانون سرپیچی کند، طبق قانون امارت اسلامی افغانستان با او برخورد خواهد شد. این کتاب قانون به کسانی که زندگی خود را وقف اسلام و خداوند قادر و توانا نمودند، اهدا میگردانیم کتاب یک راهنمایی جامع و کامل برای به پیش بردن جهاد است و هر مجاهد این قوانین را با خود نگه داری نماید. این وظیفه هر مجاهد و هر مومن راستین است.

امضا شده توسط رهبر امارت اسلامی افغانستان 159

159 Signandsight.com، "یک لایحه جدید برای مجاهدین"، 29 نوامبر سال 2006:

گزارش نامه مجلس ترجمه شده توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اندک تفاوتی با این گزارش دارد که به هر صورت کدام خالی در موضوعات ذکر شده در این گزارش بوجود نمی آورد.

آنهاییکه با ما نیستند، بهمانان ما محسوب میگردند.  
خشونت های طالبان علیه افراد ملکی

